الاحکام علی قرانات الکواکب

تألیف

ابی معشر جعفر بن محمّد منجم بلخی

(متوفی ۲۷۲ هجری)

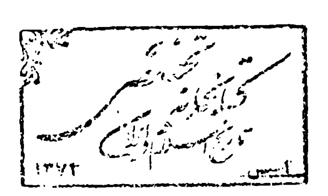


به کوشش

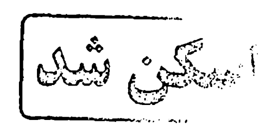
یوسف بیک باباپور - فضل الله رضوی پور - اباذر فتح الله زاده

گنجینه های خطی

احیای متون نجومی - ۱



الاحکام علی قِرانات الکواکب



نگاشتهٔ

ابی معشر جعفر بن محمّد منجّم بلخی .

(متوفی ۲۷۲ هجری)

به کوشش

یوسف بیک بابا پور   فضل الله رضوی پور   اباذر فتح اله زاده

گنجینه های خطّی ۲

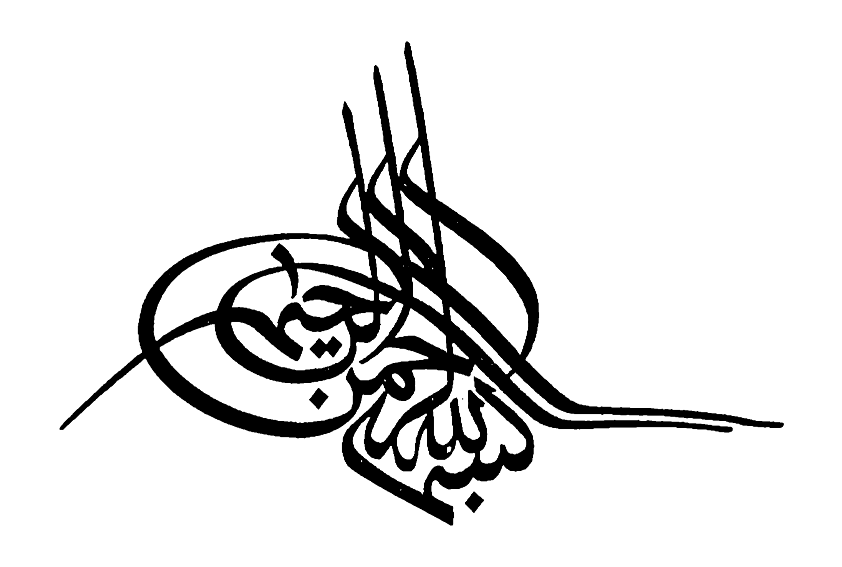
احیای متون نجومی - ۱

الاحکام علی قرانات الکواکب

نگاشته: ابی معشر جعفر بن محمّد منجّم بلخی
به کوشش: یوسف بیگ باباپور/ فضل الله رضوی پور/ اباذر فتح الله زاده
ناشر: مجمع ذخائر اسلامی- قم
حروفچینی و صفحه آرایی: حامد غلامزاده هانی
ناظر چاپ: سید محمد باقر معنوی
نوبت چاپ: اول- ۱۳۸۸ ش ۲۰۱۰ م
لیتوگرافی: صبا چاپ: کوثر صحافی: کوثری
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۰۰۰ تومان
شابک: ۳ - ۱۲۶- ۹۸۸ - ۹٦٤ - ۹۷۸

تماس با ناشر
قم - خیابان آذر - کوی ۲۳ - . . - فرعی اول - پلاک ۱ - ص پ ۱۹۵/ ۳۷۱۸۵
تلفن ۷۷۱۳۷٤۰ - ۰۲۵۱ - همراه ۰۹۱۲۲۵۲٤۳۳۵ - نمابر ۷۷۰۱۱۱۹ - ۰۲۵۱
info@zakhair.net * / / * www.zakhair.net




بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمهٔ مُصحّحین[1]

ابومَعشَر بَلخی، جعفر بن محمد بن عمر(۱۹ صفر ۱۷۱- ۲۸ رمضان ۲۷۲ ق /۱۰ اوت ۷۸۷ – ۹ مارس ۸۸٦ م.) ، منجّم ایرانی ، نام او در منابع قدیم وجدید غربی به صورت اپومسر[2] ،البومسر[3] و یا بیش و کم مشابه آن آمده است. زاد روز یاد شده تنها از روی زایچه ای در کتاب *احکام تحویلی سنی الموالید* اثر ابومعشر به دست آمده است و چندان مسلم نیست . از سوی دیگر ، بر اساس روایتی از بیرونی ، برخلاف گفته ابن ندیم که ۲۷۲ قمری را سال مرگ ابومعشر می داند، وی گویا تا ۲۸۰ قمری زنده بوده است . به روایت ابن ندیم وی پیش از اشتغال به تنجیم محدث بوده است . اما این سخن احتمالاً از خلط میان ابومعشر منجّم و ابومعشر سندی، فقیه و مورّخ، ناشی شده است، چه در آثار ابومعشر منجّم، مطلقاً اثری از حدیث دیده نمی شود. ابو معشر از اوایل سده سوم هجری دربغداد به سر می برده است.

• دربارهٔ گرایش ابومعشر به دانش نجوم افسانه هایی نقل کرده اند: بر پایهٔ روایتی وی به هنگام اشتغال به حدیث ، پرداختن به فلسفه و نجوم

---

۱ . به نقل از دایرة المعارف بزرگ اسلامی ، ذیل : ابو معشر بلخی .

۲.Apomasar

۳.Albumasar

را ناروا می شمرد و به همین علت ، با یعقوب بن اسحاق کندی دشمنی می ورزید و مردم را بر ضدّ وی بر می انگیخت، امّا کندی توانست به کمک کس یا کسانی وی را به حساب و هندسه علاقه مند سازد؛ ابو معشر گرچه در علم ریاضی توفیقی به دست نیاورد، امّا به نجوم علاقه یافت و نزد کندی به آموزش آن پرداخت ؛ افسانهٔ دیگری حاکی از آن است که ابومعشر در بلخ به فقاهت اشتغال داشت وچون شنید که کندی نسبت به یکی از فقهای بغداد بی حرمتی روا داشته، به عزم کشتن وی رهسپار بغداد شد و با تظاهر به قصد آموزش نجوم نزد او رفت ، اما کندی که از راه تنجیم نیت وی را دریافته بود، با چند کلمه او را متنبّه ساخت و برای او کمال علمی پیش بینی کرد . ابو معشر نیز شیفتهٔ کندی شد و نزد وی آموزش یافت. دربسیاری ازمنابع تاکید شده است که ابو معشر آموزشهای نجومی خود را در٤٧ سالگی آغاز کرده است . درحالی که از زایچه ای در کتاب *اسرار علم نجوم* با مذاکرات شاذان بن بحر معلوم می شود که وی سالها پیش از آن به تنجیم می پرداخته است.

ابو معشر در عصر خویش مشهور ترین منجم جهان اسلام بود و گویا در حکومت معتز، رئیس منجّمان دار الخلافه و در خلافت معتمد منجّم موّفق - برادر خلیفه و صاحب اقتدار حقیقی دستگاه خلافت - بوده است.

اشتهار وی تا قرنها بعد همچنان حفظ شد. در منابع اسلامی از او بسیار یاد شده و در آثار غربی نیز بیش از هر منجم دیگری از او نام برده شده است. صاعد اندلسی او را دانا ترین مرد به احوال ایرانیان و اخبار

دیگر اقوام می داند و از او چنان نام می برد که گویی سخن وی در هر باب و از جمله در باب دانش‌های اقوام و دانشمندان آنان، رویدادهای مهم جهان، تاریخ ملتها، بنای اهرام مصر و پیشگویی طوفان عصر نوح، و حتی درباب ارزش کار مترجمان کتابهای یونانی حجتی قاطع است.

افسانه های فراوانی نیز به عنوان پیشگویی های درست ابو معشر نقل شده است : پیشگویی او در دوران مستعین که گویا بر اثر آن به فرمان خلیفه تازیانه خورده است ؛ پیشگویی خلع و قتل مستعین وخلافت معتز که در داستان مربوط به آن ، نام بحتری شاعرعرب نیز به عنوان دوست و معاشر ابو معشر به میان می آید، پیشگویی زمان قتل صاحب الزنج، پیشگویی سر نوشت یک شاهزادهٔ هندی ، یا انواع غیب‌گویی‌هایی که عنوان آزمایش یا سرگرمی داشته است وسرانجام پیشگویی هایی که تاریخ مضمون آنها در دوران زندگی ابومعشر و واقعیّات تاریخی هماهنگی ندارد، مانند آن پیشگویی که دربارهٔ آیندهٔ حامد بن عباس ، وزیر مقتدر عباسی به وی نسبت داده می شود . ابو معشر شهرت خود را بیش ازهمه مدیون این افسانه هاست . در حالی که ما ، شناخت خود را از ابو معشر، بیش از همه وامدار روشنگری‌های ابوریحان بیرونی هستیم که از وی به عنوان مردی خود پسند یاد می کند که دعاوی خود را با دلیل‌های علمی مستند نمی سازد واز تدلیس خودداری نمی ورزد و برخی احکام او نیز آشکارا نادرست است . درکتاب *اسرار علم النجوم* ابومعشرمنجّم، از ابومعشر نیز حکایت‌هایی نقل شده است که این ارزیابی بیرونی را تأیید می‌کند .

دربارهٔ حالات روحیّات، رفتـار و اخـلاق ابومعشـر نیـز نکـاتی در برخی منابع و به ویژه در اسرار علم نجوم دیده می شود. او در خوردن، به ویژه در نوشیدن شراب افراط می کرد و به هنگام پُری مـاه، دچـار صـرع می شد. خود وی معتقد بود که اگر یک سال از نوشیدن شراب پرهیز کند از صرع رهایی خواهد یافت.

شاذان بن بحر شاگرد ابومعشر در جایی با وی به مناقشه می پردازد و به درستی حکم وی اشکال می کند و در جای دیگر او را متهم می سازد حکم خود را، نه از راه تنجیم ، بلکه از روی شـواهد عـادی صـادر کـرده است و براین پایه به صراحت استادش را شیّاد می‌خواند؛ و ابومعشـر بـی آنکه درشتی کنـد در پاسـخ بـه دلالـت اوضـاع و طبـایع کواکـب اسـتناد می ورزد. همین شاگرد از سِرّی سخن می گوید که ابومعشر به او آموختـه و وی را از فاش ساختن ونیز فراموش کردن آن بر حذر داشته است ، امّـا شاذان به رغم پذیرفتن این شرط ، از بازگو کردن آن در کتاب خـود داری نمی کند . یک سخن دیگر نیز هست که اگر راسـت باشـد ، مـا را از هـر گونه گواهی دیگری بر شیّادی این پر آوازه ترین منجم سـده هـای میـانی بی نیاز می سازد . شاذان بن بحر پس از ذکر شرایط نجومی برخی احکـام از ابومعشر، پاسخ کم نظیر و حیرت آور وی را در برابر این پرسش خـود که چرا این شرایط را در کتابهای خـود نیـاورده اسـت ، نقـل میکنـد ، آن پاسخ چنین است : هر گاه دانشمند همهٔ دانش خود را در کتاب‌هـایی کـه تألیف می‌کند ، بگنجاند و چیزی را نگفته باقی نگـذارد ، خویشـتن را بـه

صورت ظرفی تهی در میآورد ، مردم از او بی نیاز می شوند و فضل و ریاست او بر ایشان از میان می رود.

دیگر ویژگی توجه بر انگیز ابومعشر ، دلبستگی شدید او به ایران و اعتقاد او به دانش و خرد ایرانیان است که نشانه‌های آن در آثارش به چشم می خورد . وی گرچه با نوعی احتیاط ، اما به هر حال به شکلی که تعصّب وغیرت در آن آشکار است ، مدعی برتری ایرانیان در جهت اندیشه و دانش بر دیگر اقوام است ، یک‌جا می گوید : شاهان فارس به حفظ دانش‌ها در برابر رویدادهای آسمانی و آفات زمینی توجّه بسیار داشتند. آن‌گاه به شرح دقّت و همّت آنان در انتخاب کاغذ بادوام و مقاوم وگزینش مکان مناسب برای نگهداری کتابها می پردازد . این مقدّمه ای است تا گریز بزند به وجود کتابهای ارزشمندی در بنایی به‌نام سارویه واقع در کهندِ زجی اصفهان که به برکت استحکام کاغذ وسلامت محیط، از آفات قرون و اعصار مصون مانده است و از آن جمله کتابی است منسوب به یکی از حکمای متقدم که در آن از «ادوار وسالها» سخن رفته است و از «اواسط کواکب» و علل حرکات آنها را می توان از آن «ادوار» استخراج کرد و آن ادوار را «ادوار هزارات» می خوانده اند و قدمای هند و بابل از این کتاب بهره برده اند ومنجّمان آن دوران زیج مشهور شهریار را از آن استخراج کرده اند . ندیم بنای سارویه که ابومعشر از آن سخن می گوید، گویا در شکوه و چگونگی اعجاز آمیز ساخت آن ، همانند اهرام مصر بوده است واهرام مصر نیز به نوبهٔ خود به فرمان هرمس اوّل ، نوادهٔ کیومرث پادشاه ایرانی ساخته شده است. کیومرث به گفته ابومعشر، نخستین کسی

است که برای روز و شب ساعات معیّنی ساخته و آن را به هرمس آموخته و هرمس نیز نخستین کسی است که از پزشکی سخن رانده و دربارهٔ «اشیای علویّه و ارضیّه» شعر گفته و نسبت به وقوع طوفان نوح هشدار داده است.

این‌گونه ابراز شیفتگی نسبت به نیاکان وتلاش در راه بلند ساختن نام آواز ایشان، در میان دانشمندان ایرانی سرزمینهای خلافت اسلامی که از تسلط و قوم گرایی فرمانروایان عرب خوشدل نبودند ، بازتاب طبیعی و پدیده ای گسترده بوده است . بدین سان هرگاه ، ستایش ابو معشر از مأمون را ـ که در برخی منابع از آن سخن گفته شده ـ جدی پنداریم، باید آن را ناشی از اعتدال نسبی این خلیفه به ویژه در رفتار با ایرانیان بدانیم.

ابومعشردر آثار خویش کوشیده است تا با یاری گرفتن از سنتهای ایرانی، هندی و یونانی و با استفاده از فلسفهٔ سریانی که به تأثیر ستارگان و سِحر، رنگ نو افلاطونی می داد و در نوشته های کندی و کتابهای حرّانیان و نیز در آثار دانشمندان ایرانی پیش از وی مانند ماشاءالله، ابوسهل فضل بن نوبخت، عمر بن فرّخان طبری و ابو یوسف یعقوب قصرانی منعکس است، درستی احکام نجوم و کاربرد آن را در سحر و افسون به اثبات رساند.

برهان فلسفی ابومعشر ارسطویی و همراه با عناصر نو افلاطونی بوده و در این باره ا ز نوشته‌های منسوب به هرمس و آگائودمون[۱]، پیشوایان حرّانی سود برده است. وی برای جهان هستی سه سطح

---

۱. Agathodemon.

می شناسد: الهی (فلک نور)، اثیری (هشت فلک آسمانی) و هیولانی (جزء زیر قمر). ابو معشربه پیروی از حرانیان کوشید، وجود را بـه میـان افـلاک آسمانی و جهان متغیّر زیر فلک قمر را به اثبات رساند و برای پیوند میـان افلاک آسمانی و جزء زیر فلک قمر، از لحاظ احکام نجـومی پایـه علمـی بسازد . به گفته ابو معشر، اجسام زمینی می توانند به وسیله اجرام فلکی به حرکت درآینـد و دچـار دگرگـونی و اسـتحاله و کـون و فـساد شـوند و همچنین اجرام فلکی نیز نیروی آن را دارند که بر اجسام خاص زمینی نیـز اثر بگذارند. وی بر پایهٔ این دیدگاه معتقد بود که همهٔ معارف منـشأ الهـی دارند و نشانه های وحی خداوندی در هر علم به چشم می خـورد ؛ روح انسانی که از فلک نور الهی به زیر فلک قمر فرود آمده ، می تواند با یاری و وساطت افلاک آسمانی واز راه نماز ، عبادت و اوراد و اذکـار ، از یـک فلک به فلک بالاتر صعود کرده و سرانجام به خـدا متّـصل شـود و بـدون توسّل به این واسطه ها وصول میسّر نیست و این همه از تحقیق و مطالعه در علم نجوم واحکام آن میسر می گردد. او عقیـده داشـت کـه درسـتی واعتبار احکام نجوم تنها از راه مکتب ارسطویی حرّانیان معلوم نمی شـود، بلکه همچنین می توان با تکیه بـر دقـایق تـاریخ انتقـال علـوم در جهـان، اجزای حقیقت را درباره طبیعت که درمیان اقوام مختلف پراکنده است، به یک مبدأ الهی وصل کرد و براین پایه احکام نجوم وسحر را سودمند ترین دانش ها برای انسان می دانست. او همچنین بر این عقیده بود که هر یـک از ستارگان در صفات اشیا و سرنوشت و مقدّرات اشخاص اثر داشته و در تغییرات طبیعی و حتی بعضی تغییرات نفسانی مؤثّرند و بشر به وسیلهٔ علم

احکام نجوم می‌تواند تغییرات ناشی ازستارگان را پیشگویی کند. ابومعشر در زیج الهزارات ، برای سنّتهای فرهنگی نوع بشر، به سبب آنکه برخاسته از وحی است ، منشأ واحدی قائل شده است .

ابومعشر با تألیف کتاب *الالوف* و کتاب فی *بیوت العبادات* باعث شهرت بیشتر حرّانیان شده است . وی گاه به گاه اشاره ای به طلسمات می کند؛ ولی به پیشگویی ، بیش از دخل وتصرّف درآینده، دلبستگی نشان می دهد .

گروهی برآنند که علاقه و توجّه دانشمندان نسبت به احکام نجوم در نیمهٔ دوم سدهٔ دوم هجری، در بغداد ، انتقال رساله‌های احکام نجومی ساسانی به جهان اسلام ، ورود یک هیأت هندی درسال ۱۵۵ هجری به بغداد برای تعلیم علوم هندی و کمک در ترجمهٔ نوشته های هندی به عربی و نهضت دامنه داری که در زمان مأمون در ترجمه آثار خارجی به عربی پیدا شده بود، سبب گردید تا کتاب‌های اساسی نجوم یونانی، از جمله *المجسطی* وکتاب *الاربعهٔ*[۱] بطلمیوس وکتاب‌های دیگر از سریانی و یونانی ترجمه و در دسترس علاقه‌مندان این علم قرار گیرد. ابو معشر نیزچنانکه ذکر شد، ازاین ترجمه ها و آثارآگاهی پیدا کرد و توانست از مطالب آنها در مباحث و موارد مختلف تألیفات خود بهره گیرد.

از شاگردان پیروان ابو معشر می‌توان ابن مازیار (ابن بازیار)، محمّد بن عبدالله بن سمعان، عبدالله بن مسرور نصرانی و ابوسعید شازان بن بحر

۱. Tetrabiblos

را نام برد. شازان سخنان ابو معشر را زیر عنوان *اسرارعلم النجوم* یا *مذاکرات شاذان بن بحر* گرد آورده است.

آثار ابومعشر:

آثار ابومعشر از لحاظ در بر داشتن بخشهایی از نوشته های کهنی که اصل آن از بین رفته ، قابل توجه است:

الف- چاپی:

۱- *الابراج و الطوالع و فوائد شتی فی علم الحساب* : در ۱۹۸۷ م . در بیروت به چاپ رسیده است.

۲-*بغیه الطالب فی معرفه الضمیر المطلوب و المغلوب و الغالب* : این کتاب دربارهٔ علم رمل است که بارها در مصر به چا پ رسیده است .

۳- *القرانات* : این کتاب شامل هشت مقاله است . ابن ندیم گفته است که این کتاب از آن سند بن علی است و ابومعشر آن را به خود نسبت داده است. یوحنا اشبیلی آن را به لاتین ترجمه کرده است . این ترجمه در ۱٤۸۹ م. به وسیله ارهارد راتدلت[۱] در آوگسبورگ ودر ۱۵۱۵ م. به کوشش یاکوبوس[۲] پنتیوس لئوکنسیس چاپ شده است . یک فصل از این ترجمهٔ لاتینی که گویا ابومعشر آن را ازکندی گرفته و به خود نسبت داده بود در مقاله ای از ا. لوث[۳] با عنوان «*کندی اختر بین*»[٤] در کتاب «*پژوهشهای*

---

۱. ErhardRatdolt.

۲. Jascobus Pentius Leucenis.

۳. O.Loth.

۴. « AL – Kindials astrolog ».

شرقی»[١] در ١٨٧٥ م . در لایپزیک تجدید چاپ شد . از ترجمهٔ فارسی این کتاب چند نسخه خطی در دار الکتاب قاهره ، کتابخانهٔ ملک وکتابخانهٔ ملی رشت موجود است[٢] .

٤- *المدخل الکبیر فی (الی) علم احکام النجوم*: در هشت قول، این کتاب مهمترین اثر به جای ماندهٔ ابو معشر است و در حدود سال هجری ٢٣٥ نوشته شده است . وی درفصل دوّم قول اوّل کوشیده است اعتبار احکام نجوم را به اثبات رساند . همچنین گفته اند که این کتاب را سند بن علی نوشته و به ابومعشر اهدا کرده بود و او آن را به خود نسبت داده است. تنها بخشی از این اثر منتشر وگزیده هایی از آن نیز در حدود سال ٣٧٩ هجری به یونانی ترجمه شده است . در میان ترجمه های متعددی که به زبان لاتینی به عمل آمده ، ترجمهٔ یوحنا اشبیلی مشهورتراست . چاپ تصویری این کتاب در١٤٠٥ هجری (١٩٨٥ م .) در فرانکفورت منتشر شده است . این اثر به زبان‌های انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است .

«واده» رساله ای با عنوان «*دفاعی از احکام نجوم در کتاب المدخل ابو معشر*» نوشته که در شمارهٔ پنج «*سالنامهٔ اسلام شناسی*»،درسال ١٩٦٣ م. منتشر شده است.

٥. *کتاب الموالید الصغیر*: که چند باردرقاهره به چاپ رسیده است این اثر مشتمل بر دو مقاله وسیزده فصل است . چهار فصل اول آن از سحر و

---

١. Morgenländische for schungen

٢. رسالهٔ مورد بحث ماست : رک : منزوی ، ج١، ص٢١١-٢١٢؛ نیز فهرست ملک،ج٦، ص٣٩٠- ٣٩١ .

احکام نجوم در ادوار مختلف ، پنج فصل بعدی مطالب عجیبی دربارهٔ سحر و پیشگویی و چهار فصل آخر آن دربارهٔ موالید است.

ب – خطّی :

۱. *اصل الاصول*: دربارهٔ موالید ، ابوالعنبس صمیری آن را از تألیفات خود می دانسته است. در برخی از نسخه های خطّی این کتاب نیز نام مؤلف صمیری آمده است. این کتاب با عنوان *الاصل فی علم النّجوم وسرائرالاسرار* نیز نامیده شده است. نسخه هایی از آن در کتابخانهٔ ملّی و آستان قدس موجود است .

۲. *کتاب الالوف*: این کتاب یکی از مهمترین آثار ابومعشر است که اصل آن از بین رفته، ولی احمد بن محمّد بن عبد الجلیل سجزی بخشهایی از آن را با عنوان *منتخبات کتاب الالوف* در جامع شاهی وبخشی دیگر را با عنوان فصل من کتاب *الالوف فی اجتماع الکواکب السبعهٔ و مبادی التواریخ* به صورت مستقل آورده است . بخشی از این کتاب که در آن مطالبی دربارهٔ «نسیء» آمده ، در *منتهی الادراک فی تقاسیم الافلاک* ، اثر عبدالجبار بن محمّد خرقی نقل شده است . این بخش توسط محمود افندی در «مجلهٔ آسیایی[۱]» (۱۸۵۸م)به چاپ رسیده است. لیپرت نیز قسمتهایی از آن را که در کتابهای دیگر نقل شده ،در«نشریهٔ دانش خاورشناسی وین[۲]» گرد آورده است. کندی با استفاده از متن *جامع شاهی* بخش کوچکی از آن را به انگلیسی ترجمه کرده است.

---

۱. JA- XI/168 – 172.

۲. Wiener ZeitschriftfurdieKundedes Morgenlandes.

۳. *الامطار و الریاح و تغیّر الاهویه*: که ابومعشر آن را بنا بر روش حکمای هند تألیف کرده است .متن اصلی اکنون در دست نیست ، بلکه فقط ترجمهٔ لاتینی آن که در ۱۵۰۷ م . در ونیز همراه با رساله *فی علل القوی المنسوبه الی الاشخاص العالیه الدالّه علی المطر*، تألیف یعقوب بن اسحاق کندی به چاپ رسیده، موجود است.

٤ . *احکام تحویل سنی الموالید*: نسخه هایی از آن در پاریس وکتابخانهٔ اسکوریال موجود است. سجزی گزیده ای از آن را در ۲۳ باب به نام منتخب *کتاب الموالید* به زبان عربی فراهم آورده که نسخه هایی از آن در کتابخانهٔ ملی تهران وکتابخانهٔ آستان قدس موجود است . وی سپس کتاب اخیر را با اضافاتی مشتمل بر جدول های تقویم وغیره به زبان فارسی ، با عنوان *برهان الکفایه* ترجمه کرده که در کتابخانهٔ آستان قدس نگهداری می شود. این اثر ابومعشر را یوحنا اشبیلی به لاتین ترجمه کرده که در۱٤۸۹ م. در آوگسبورگ و در ۱۵۱۵ م . در ونیز به چاپ رسیده است . متن اصلی عربی نیز به یونانی ترجمه شده که پنج کتاب اوّل آن در لایپزیگ به طبع رسیده است. این ترجمهٔ یونانی نیز به لاتین ترجمه شده و به وسیلهٔ وُلف در ۱۵۵۹ م. دربازل انتشاریافت. بخشی از آن نیز به وسیلهٔ ف. بُل تصحیح و به آلمانی ترجمه شد. این ترجمه در ۱۹۱۲ م. منتشر گردید .

۵ .*کتاب الکدخدا وکتاب الهیلاج*: بعضی این کتاب را با دو عنوان جداگانه ذکر کرده اند . ولی قفطی آن را زیر یک عنوان آورده است. اصطلاحات فارسی در این کتاب نشان از آن دارد که مطالب مربوط به آن باز مانده از

دورهٔ ساسانی است. یک نسخهٔ خطی ازاین اثر درکتابخانهٔ نور عثمانیه نگهداری می شود .

۶. *النکت یا تحاویل سنی العالم*: کتابی است در هفت مقاله که در سدهٔ پنجم هجری (۱۱ م.) به وسیله ابراهیم منجم از عربی به فارسی ترجمه شده و درآن از کواکب ، اقترانات ، طوالع اسهام وجزآنها بحث شده، نسخه خطی آن در کتابخانهٔ ملی موجود است. این کتاب به وسیله یوحنا اشبیلی با عنوان فلورس[1] به لاتین ترجمه شده وتوسط ارهارد راتدلت در ۱٤۸۹ و۱٤۹۵ م . در آوگسبورگ وبه وسیله سِسا[2]در ۱٤۸۸ و ۱۵۰٦م. در و نیز انتشار یافته است.

۷ *.اسرارعلم النجوم یا مذاکرات شاذان بن بحر*: نسخه‌های خطی آن در کتابخانه های کمبریج و اسماعیل صائب ، نگهداری می‌شود .

ابومعشرآثار دیگری نیز دارد که نسخه های خطّی آنها در دست است.[3]

---

۱. Flores

۲. Sesa

۳. به نقل از دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی ، ذیل «ابو معشر بلخی» ؛ به منابع زیر اشاره شده است: آستان قدس ،فهرست؛ آستان قدس، فهرست؛ ابن ابی اصیبعه، احمد، عیون الانباء، به کوشش آوگوست مولر، قاهره ،۱۸۸۲ م؛ ابن اثیر، الکامل ابن جلجل ،سلیمان ،طبقات الاطباء والحکماء ، به کوشش فؤاد سزگین ،قاهره ،۱۹۵۵ م؛ ابن طاووس، علی فرج المهموم، قم، ۱۳٦۳ ش؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابو معشر بلخی، جعفر، اسرار علم نجوم ، نسخه خطّی کتابخانهٔ اسماعیل صائب ، شم (۱) ۲۹۹ ؛ همو ،المدخل الکبیر، ج تصویری، به کوشش فؤاد سزگین ، فرانکفورت،۱۹۸۵ م ؛ بغدادی، هدیه ؛ بیرونی ،ابوریحان، الآثارالباقیه، به کوشش ادوارد زاخاو ، لایپزیک ،۱۹۲۳ م ؛ تنوخی ، محسن ، نشوار المحاضره و اخبارالمذاکره ، به کوشش عبود شالجی ، بیروت ،۱۹۷۱ م ؛ تهرانی ،جلال الدین ، گاهنامه ، تهران ،۱۳۱۳، ش، حاجی خلیفه، کشف الظنون؛ ذهبی، محمد ، سیر اعلام النبلاء ، به کوشش شعیب ارنؤوط ، بیروت ،۱۹۸٦م ، سزگین ، مقدمه بر المدخل ؛ سید،خطی شاذان بن بحر ، گفت و گو با ابومعشر بلخی ، ضمن اسرار علم النجوم؛ شهرزوری، محمدنزهة الارواح

نسخهٔ مورد استفاده و روش کار:

از کتاب *الاحکام علی قِرانات الکواکب*، نسخی در کتابخانه های مختلف وجود دارد و اساس کار ما نسخه‌ای است که در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی به شمارهٔ ٥٤١٨ نگهداری می‌شود. این نسخه که وقف میرزا رضاخان نائینی است و فاقد تاریخ کتابت و استنساخ می‌باشد. تعداد اوراق نسخه ١٦ برگ به ابعاد ٢٤×١٤ سانتی متر، هر صفحه ٢٠ سطر به خط نستعلیق می‌باشد.

از این کتاب ترجمه‌هایی با همین عنوان به فارسی در کتابخانه های بادلیان (٦٨٣/٤)، رشت (ملی٢/٦٥ ر) ، قاهره (٤٤٦٧س)، نجف(ذریعه ٣٠١/١) و قاهره (مخطوطات ٤٠/٢) وجود دارد که استاد منزوی (ج ١، ص٢١١- ٢١٢) بدانها اشاره کرده‌اند. ما در احیای این اثر ارزشمند، که

و روضةالأفراح ، به کوشش خورشید احمد ، حیدر آباد دکن، ١٣٩٦ق/١٩٧٦ م؛ صاعد اندلسی، طبقات الامم، به کوشش لویس شیخو، بیروت ،١٩١٢ م ؛ قفطی ، علی تاریخ الحکماء، اختصار زوزنی ، به کوشش یولیوس لیپورت، لایپزیک،١٩٠٣ م؛ مسعودی، علی ، مروج الذهب، به کوشش باربیه دومنار وپاوه دوکرتی ، پاریس،١٨٧٤ م ؛ ملک ، خطی ؛ ملی خطی؛ منزوی خطی؛ نصر حسین ، علم وتمدن در اسلام ، ترجمه احمد آرام ، تهران ١٣٥٩ ش؛ نالینو، کارلو آلفونسو، تاریخ نجوم اسلامی، ترجمهٔ احمد آرام ، تهران ١٣٤٩ ش، نظامی عروضی ، احمد ، چهار مقاله ، به کوشش محمد قزوینی، لیدن، ١٣٢٧ق. /١٩٠٩ م ؛ یاقوت ، بلدان ؛ نیز :

De Slane;EI[2];ESC[2];Faddegon, J.m.,"Notice sur un petit traite d'astrologieattributéà Albumasar",JM,1928,vol.CCXIII;GAL;GAL ,S;GAS;Iranica;Mieli,A.,La Science arab,Leiden,1966;Pingree,d., "Abmashar",DictionaryofScientificBiography,NewYork,1970,vol.I;Sarton,G.,IntroductiontothehistortofScience ,Baltimore,1927;Ullm,m.,Die Natur–und Geheimwissen Schaften im Islam,Leiden,1972;Vadet,JC.,"Une defence delastrologie dans LeMadhald'AbumasaralBALHI , AnnalesIslamologiques,Cairo,vol.

یکی از متون کهن در زمینهٔ احکام نجوم به عربی است، به نسخهٔ کتابخانهٔ آستان قدس به علّت زیبایی خط و خوانایی و کامل بودن نسخه اکتفا نمودیم و صرفاً به هدف احیای متن و ارائهٔ آن جهت سهولت دست‌یابی محققان به آثار گذشتگان از جمله این کتاب، اقدام به چاپ آن نمودیم. امید است که مورد پسند محققان و خوانندگان بزرگوار قرار گیرد و کاستی‌های آن را به دیدهٔ اغماض ملاحظه فرمایند.

والسلام علیکم

بهار ۱۳۸۸

تصویر صفحهٔ اول نسخهٔ خطی قرانات الکواکب

فان كان ذلك في الثالث او التاسع دل على كثرة اشتغال العالم بغزو [illegible]
مع [illegible] في موت العباد واعراض المكروه وانقطاع الطرق وان كان
ذلك في الرابع والعاشر دل على انه يعرض في المداين والبلدان الخراب وموت
اعظم الملوك وجبابرتهم وان كان في الخامس والحادي عشر دل على فساد الولدان
[illegible]
وان كان في السادس والثاني عشر دل على كثرة السبي وموت الدواب والغنم وكثرة
المرض والزمانة ومن ولد فيه كان ضعيفا [illegible] وان كان في السابع دل على كثرة
الاعداء وخروج الخوارج وكثرة الشر بين الناس والازواج [illegible]
[illegible] وقال ان هذه الاحكام مخصوصة بالبلدان [illegible] الكواكب بالبرج
الذي [illegible] فيه او [illegible]
في نسخة اخرى [illegible]
[illegible] والامراء [illegible] الملوك والسلاطين [illegible]
[illegible] وشدة الحروب وقلة المياه [illegible]
والله اعلم بالصواب

تصویر صفحهٔ آخر نسخهٔ خطّی قرانات الکواکب

الاحکام علی قِرانات الکواکب

ابی معشر جعفر بن محمّد منجّم بلخی

بسم الله الرحمن الرحيم

كِتابُ الاحكام على قرانات الكواكب فى البروج الاثنى عشر:

فصل

فى برج الحمل

قران زحل و مشترى فيه : يدلّ على قتـل ملـک وسـوء حـال سـير الملوک مع كثرة القحط والامطار والزروع و اراجيف والكـذب وتحيرالملـوک على الرعية وكثرة الحروب وموت ملک العرب وخلف منهم .

قران الزّحل والمرّيخ فيه: يدلّ على كثرة الأمراض فى الصبيان وتكـدّر الجوّ وغبار وموت فى الخيال وهلاک ملک بالشام والعراق وفتش نقع بـالروم؛ فإن نَظَرَ مشترى والقمر دلّ على القحط وعدل الملوک .

قران الزحل والشمس فيه: يدلّ على الحديد ملك مع حدوث وحروب بين الناس وموت وطاعون و مطر ما يقع بعراق فقد ملك كبير.

قران الزحل و الزهرة فيه: يدلّ على كثرة الموت والامراض فى ساير البُلدان وخلف بين الروم والاسلام وموت رفيق عظيم ببابل قلة المطر؛ والله أعلم.

قران الزحل و عطارد فيه: يدلّ على دخول الروم والارمنية و وقوع الطاعون فى اهل الأهواز و هبوب رياح شمالية وكثرة الموت بالعالم .

قران الزحل و القمر فيه: يدلّ على الخلاف يقع وحروب ببلاد الروم الى ارمنية وكثرةالاوجاع فى الأكابر.

قران الزحل و المشترى و المريخ فيه:يدلّ على دخول الروم و ارمنية و حروب و مطر إن كان؛ اوانه والله أعلم.

قران المشترى و الشمس فيه: يدلّ على نقص الأمطار و موت الأكابر و تغيير الأسعار و القواعد و اراجيف بالعراق.

قران المشترى والشمس فيه: يدلّ على صلاح احوال الأكابر والقضاة و النساء و مطر إن كان اوانه و فقد رجل مذكور ببابل والشّام و فلسطين هيج الأعداء و زيادة الأنهار وصلاح حال اهل الشمال.

قران المشترى و عطارد فيه: يدلّ على صلاح ارباب المناصب و الأقلام و مطر و هواء إن كان اوانه و وقوع الموت فى الأحياء و كثرة الجدل بين اهل العالم .

قران المشتری و القمر فیـه: یدلّ علی خصب السنة و مطـر و هـواء و حسن حال العامة.

قران المریخ و الشمس فیـه: یدلّ علی کثرة النقص و اراجیف بنـواحی ارمل و الجهال والموت والطاعون وقرض فی سائر البلـدان وکثـرة العقوبـات وسقوط الحوامل وحسن حال الامراء وسوء حال النساء والمطر.

قران المریخ وعطارد فیه: یدلّ علی حروب تقع بارض الشام و المغرب و قلة ماء العیون و قتال یعرض بین الروم و التـرک و هـلاک ملـک الـروم و تقصد ناحیة المغرب اعداء یفسدون اکثرها مع حدوث امراض و سعال و مرض البواسیر و مطر إن کان اوانه.

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی قصد ملک ببابل مضره ینال اهلها و نفاق الدواب و حروب و مطرإن کان اوانه؛ والله أعلم .

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی یبس الهـواء و کثـرة الرعـود و البروق و مطر و موت تقع فی النساء و خسارة المطربین و سوء حال الخدم.

قران الشمس و العطارد فیه: یدلّ علی کثرة الأمطار و هبوب الریاح و برد و کثرة الخیر ینال و زیادة المیاه.

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الرعود و الصواعق و البـروق کان اوانه و صلح من ملکین .

قران الزهرة و العطارد فیه: یدلّ علی عـزّ و نفـع و حـروب و افـراح الکتاب و النساء و زکاة الزرع و کثرة الخیرات و غیوم و مطر و هواء .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و الرياح و البرد فى فصل الشتاء و فى غيره على اهوته و صلاح احوال العالم .

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و هبوب رياح على قدم ما يقتضيه الزمان.

[فصل
فى برج الثور]

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على حروب و قتال و قحط و رياح شديدة و زكاة الزرع و خزان الارض فى أرض فارس و بابل و فقد رجل مذكور ومضره تنال العالم و كثرة الامطار و سيول إن كان اوانه.

قران زحل و المريخ فيه: يدلّ على قحط وجوع و موت كثير ورياح باردة و موت ملک وخسارة ينال الأخبار و حريق و مضره تنال العالم و مرض و اوجاع و فتن و زلازل .

قران زحل و الشمس فيه: يدلّ على غلاء و جوع فى الناس و زيادة حمل الشجر و رطوبة الجو و فقد ملک عظيم الشأن وخسارة المشايخ.

قران زحل و زهرة فيه: يدلّ على موت ملک بالروم و وقوع الموت فى النساء و شدائد و قحط و فتن و مطر.

قران زحل وعطارد فيه: يدلّ على حروب بين الامم و كثرة الأمطار و هلاک الكتّاب و الوزراء و رياح شديدة يابسة عاصفة.

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الحروب بین الناس و مطر و غلاء؛ و الله أعلم .

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی خراب فی أکثر البلاد و موت الأکابر و خلف بین الروم و علی الاسلام حرکات العساکر و حسن حال الامراء و الأحیاء؛ و الله أعلم.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و کثرة السموم و موت بعض القضاة و الأکابر.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی هلاک و مضرّة الزرع ببلاد الروم و تسلط النساء علی الرجال وافراح المطربین الخواتین و صلاح حال اهل اربل و هواء طیّب و مطر إن کان اوانه.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی مطر و ریاح و حرب ببابل و قحط بفارس .

قران المریخ و الشمس فیه: یدلّ علی شدة الحرّ و یبوسة الجوّ و فقد ملک و موت یقع فی النساء و حریق بعض الأماکن و الجبال ؛ و الله أعلم .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی فقد رجل مذکور وخراب بعض القری و موت النساء و افراح الجند و کثرة الفساد و الزناء .

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی خلف فی اکثر النواحی و اراجیف و موت و کثرة المطر و غیوم و البرد وخسارة تنال الوزراء و الکتّاب أو موت ملک .

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی تعب قلوب العالم و فقد رجل عظیم و شیب العالم من اوطانهم و قتال و فتن ونفاق الدواب و غیوم و مطر؛ والله أعلم.

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی موت بعض نساء الملوک و شدّة تنال الرجال و فساد حال النساء و حرکة العساکر و الجیوش و خراب أکثر البلاد و مطر و ریاح باردة؛ والله أعلم.

قران الشمس و العطارد فیه: یدلّ علی فتن وحرکات اهل الجبال و فساد حال الوزراء و اهویه مختلفة و مطر .

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی رطوبة الجوّ و کثرة الأنداء و الأمطار و صلاح حال العامة .

قران الزهرة وعطارد فیه: یدلّ علی فتنة تعرض لأهل فارس وموت ملکها و کثرة اللصوص و الصعالیک و موت النساء و البقر و کثرة الرعود و البروق و الأمطار و أفراح أرباب الأقلام و الوزراء و النساء وطیبة الهواء و صلاح اهل اربل؛ و الله أعلم.

قران الزهرة و القمر فیه: یدلّ علی صلاح اهل العالم و رطوبة الهواء و غیوم و امطار .

قران عطارد و القمر فیه: یدلّ علی نقصان الشیب و توسط الامطار و کثرة الأراجیف.

فصل

برج الجوزاء

قران زحل و المشتری فیه: یدلّ علی فقد ملک و کثرة اللصوص وقطاع الطرق و قوة الحرب و اخذهم الأموال و نهب القوافل و قلة الأمطار و المیاه و کثرة دواب الماء و افراح المشایخ و الفلاحین و موت یقع فی الفقهاء و الکتّاب و شدّة الریاح و الزوابع.

قران زحل و المریخ فیه: تدلّ علی هیج الأعداء و حدوث الخلف و الحروب فی اکثر الأرض و وقوع الجراد وهبوب ریاح و قلة الأنداء و وقوع الفتن و الحرب و خصب الطعام و کثرة الأمراض الدمویة و السوادیّة.

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی قتل رجل عظیم و شدّة الحرّ و هبوب السمایم و خلف بین المشایخ و فساد العرب و خلف و جراد و کثرة الأمراض و الجُدری.

قران زحل والزهرة فیه: یدلّ علی کثرة الموت فی النساء و الحر و مطر و ریاح و حسن حال المشایخ و الفلاحین و النساء.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی قتال بالشمال و حروب و کثرة الأسر و الشرّ و ضایعة تنال الکتاب و المتصرفین.

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأراجیف و النشر و مطر و هواء.

قران المشترى و المريخ فيه: يدلّ على هلاک اهل اليمامة و خراب اكثر القرى و شدة تنال الرؤساء و ارباب الامل مع قلة الأمطار و موت بعض الأشراف و العظماء و افراح الجند.

قران المشترى و الشمس فيه: يدلّ على رطوبة الجوّ و شدّة تنال العالم ضايقة و موت رجل معروف و تغيير الاسعار.

قران المشترى و الزهرة فيه: يدلّ على صلاح حال الأكابر و النساء و افراح الملوک بفارس.

قران المشترى و عطارد فيه: يدلّ على افراح العالم و طيبة قلوب الكتاب و حرب بالروم و حوادث و كثيرة فى بلاد الشّمال .

قران المشترى و القمر فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و امساء عامه و مدود و افراح القضاة .

قران المريخ و الشمس فيه: يدلّ على حرارة الهواء و يبسه وحرب و سيء و موت كثيرة و سفک دم و خلف؛ و الله أعلم.

قران المريخ و الزهرة فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و الفساد و الزّنا و الحرب و موت تقع النساء و خسارة المطربين .

قران المريخ وعطارد فيه: يدلّ على فقد و نقص اولاد الملوک و تجديد ملک ثم يعزل وخروج خوارج خراسان .

قران المريخ و القمر فيه: يدلّ على فقد رجل مذكور و كثرة القتال و نقص مع يبوسة الهواء و قلة الأعداء.

قران الشمس و الزهرة فيه: يدلّ على توسط الأنداء و موت تقع في النساء و افراح الملوک؛ والله أعلم .

قران الشمس وعطارد فيه: يدلّ على هبوب السماء و الرياح وفتنة بأرض مصر و قتال.

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على قلة الأمطار و الرّطوبات و إنّما تكثر الهموم و الأهوية.

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على سلامة الطرق في أقطار الأرض و كثرة النقص من رجال والنساء و رعد برق و مطر و مدود الأنهار .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على توسط الأمطار وهبوب الرياح الحارّة.

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على هواء مختلف إن كان اوان المطر.

فصل

فی برج السرطان

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على كثرة القتال و الحروب بين الملوک و موت كثير منهم و حروب باكثر الأقاليم و كثرة التوالد مع قلة الأمطار و حسن ربيع السنة و كثرة اللصوص.

قران زحل و المریخ فیه: یدلّ علی وقوع حروب من اهل ارمنیة و العرب و قحط فی جمیع الآفاق و هیج الترک و وقوع العداوة بین الناس و کثرة الجراد و امطار و خسارة الامراء و الاجناد .

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی موت بعض ابناءالملوک و وقوع الموت فی اکثر الأقالیم مع یبوسة الهواء.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی موت ببلاد الأفرنج و قحط مع کثرة الأمراض فی الناس و کثرةالأمطار و سوء حال المُطربین و النساء و الخدم.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی موت بعض نساء الملوک و وقوع موت فی اکثر الأقالیم و شدّة الأمراض و هواء و مطر و سوء حال الکتّاب و الوزراء .

قران زحل و قمر فیه: یدلّ علی موت بعض نساء و موت تقع فی الاقالیم الشمالیة و شدّة تنال العالم.

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی موت اعداء الملوک و کثرة اللصوص و النساء و زیادة الدجلة و الفرات و ظهورالأفرنج و یکون بینهم و بین المسلمین حرب و تلف خلق کثیر من العوام و تشتتهم.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی کثرة الموت و اعاجیب فی الجبال و صلاح حال اهل الهراة و الدجلة و موت تقع فی الاغنیاء و القضاة و خلف.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی مقاومة العبید للملوک و موت رجل عظیم بفارس وطوفان وعجایب الجبال.

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی خراب اکثر الأقالیم و فساد مجالس الحکام و مطر و افراح الوزراء و الکتّاب؛ و الله أعلم .

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأنداء و قتال بین الامم.

قران المریخ و الشمس فیه: یدلّ علی شدّة وخوف تنال الناس و حرّ عظیم و یبس الهواء و حروب تقع بین الامم و موت بعض الامراء و حریق سلقة الشمال و موت کثیر و مرض و جراد و جُدری.

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی اختلاف الهواء و یبسة و یکون سنة شدیدة علی النساء و المطربین و موت تقع فیها و اقبال الامراء و الأجناد .

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی کثرة الموت بالشرق و قتال بین ابناء الملوک و خلال املاک کثیرة فی سایر البلدان و خلف و حروب بین العرب و قساوة الملوک و شدّة الحرّ و قلة المیاه و فساد النهار و موت الوزراء و الکتّاب و ضرر کثیر منهم و هلاک المتصرفین.

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی حروب و موت ملک صغیر و انفاق اموال الملوک فی الحروب و الفتن و سیء بعضهم بعضاً و کثرة الموت و الفرق.

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی قلة المیاه و غم ینال المطربین و الخواتین و موت بعض الخدم و الکبار و الخوانین.

قران الشمس و عطارد فيه: يدلّ على كثرة الموت و شدّة الحرّ فى اوانه و ان كان شتا فاحكم بمطر و إن كان صيفاً فاحكم بنقص المياه و فساد الأنهار و ضايعة تنال الكتّاب و المتصرفين؛ و الله أعلم .

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على توسط الرياح و شدّة الحرّ فى اوانه و امطار فى اوانه .

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على زلازل وموت فى بلاد المشرق و الروم و موت تقع فى النساء و ربما وقع مطر و رعد و برق إن كان أوانه .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على مطر و انداء .

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على هبوب السمائم و رياح مختلفة و ربّما وقع مطر .

فصل

فى برج الأسد

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على خلف بنواحى المشرق و ظهورالخوارج و تحيّر ملک عظيم بفارس و هلاک بعض الأكابر منه العظماء و ظهورالعداوة بين الامم و صلاح الزروع و حسن حال المشايخ والفلّاحين و الموت فى القضاة و الأشراف و الأكابر.

قران زحل و المریخ فیه: یدلّ علی وقوع البغض بین الترک و العرب و شدة و خوف و فزع العالم بعضهم بعضاً و ظهـور آیـات سـماویة و زلازل و قحط و غلاء و غبار و ریاح و سمائم .

قران زحل والشمس فیه: یـدلّ علـی مـوت ملـک المـشرق و وقـوع الشدايد فی العراق و الشمال ومطر و شدّة وقحط و غره الحبوب و الأوهـان و الجراد.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی موت ملـک أو بعـض الأشـراف و شدّة المشرق و موت النساء و المطربین و افراح المشایخ و الفلاحین .

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی خـلااف الکتّـاب و مـوتهم و فقـد بعض اولاد الملوک و کثرة الوبا و الشدائد و شدّة الحرّ و هواء و عجاج مظلم.

قران زحل و القمر فیه : یدلّ علی موت ملک ببابل و قحط و جـراد و اسقاط الحوامل و ربما وقع مطر .

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی موت ملک ببابل و خراب قـری ببابل و ثوران الأعداء علی اهلها و نقص المیاه و العیون و شدّة الحر و مـوت رجل کبیر و حسن حال الامراء و الاجناد .

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی کثرة الجراد و زکـاة الـزروع و یبس الهواء و تکدّر الجوّ و غیوم و موت رجل جلیل القدر وافراح الملـوک و تغیّر الأسعار و نقص المیاه .

قران المشترى والزهرة فيه:يدلّ على آفة تنال اهل السواد و شدّة جراد يظهر مع زكاة العلة و افراح النساء و الأكابر و القضاة و اهل اربل.

قران المشترى و عطارد فيه: يدلّ على اقبال الكتّاب و ظهور الغيوم و الحجّاج و قتل ملك بالجبال و آذربايجان و ملكهم و رسل و حروب بينهم.

قران المشترى و القمر فيه: يدلّ على طيبة الهواء و نجوم و ربّما وقع مطر.

قران المشترى و الشمس فيه: يدلّ على حروب و قتل و جوع و رعد و برق و مطر إن كان أوانه و اضطراب العساكر و خلف رسل بين الملوك و حريق و سيء وقطع الطرق و جور على الرعيّة.

قران المريخ و الزهرة فيه: يدلّ على العداوة بين الامم و مطر و رعد و كثرة اللصوص و الفساد و الزّنا و موت تقع فى النساء و الأشراف و افراح الجند و الامراء .

قران المريخ و عطارد فيه: يدلّ على اراقةالدماء و خلف و حروب بفارس و هلاک اعداءالملوک و موت العلماء و حرب بين اهل المشرق و حركات الترک و كثرة الحريق و رفض الأوثان و تعب قلوب ارباب الاقلام و رياح و عجاج و زلازل و قلة المطر و حرّ شديد مهلک.

قران المريخ و القمر فيه: يدلّ على موت ملک بالمغرب و تشتت اشرافها و كثرة القتال و الفتن و السيء و الموت و خاوية السباع و نطاق الدواب و يبس الهواء و اختلافه.

قران الشمس و الزهرة فیـه: یدلّ علی صلاح الأهویة فیالسمائم و قلة المطر و موت النساء و هلاکهم .

قران الشمس و عطارد فیه: یدلّ علی موت المواشی و خسارة الکتّاب و الأغنام و کثرة الجراد و حرارة الهواء علی قلة الأنداء و المطر؛ و الله أعلم .

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی کتمة الأسرار و کثرة المفـسدین و جور الملک علی الرعیة الأمان مِن العبید؛ و الله أعلم .

قران الزهرة وعطارد فیه: یدلّ علی سیء اهل القـری و قـرع و مـوت یعرض فی أکثر الأقالیم و حرب و لصوص و دم و حرّ شدید .

قران الزهرة و القمـر فیـه: یـدلّ علـی اهویـة و عجـاج فـی اوانـه و قلةالأنماء و الأمطار.

قران عطارد و القمر فیه: یدلّ علی وقوع الموت فـی النـاس و ظهـور جراد و هبوب ریاح شدیدة؛ و الله أعلم .

فصل

فی برج السنبلة

قران زحل و المشتری فیه: یدلّ علی خراب فـی بـلاد الـروم و کثـرة الأمراض و الموت فی الناس و قلة الأنداء و هبوب الریاح و صلاح الـزروع و قحط فی الأهواز و موت یقع فی الوزراء و الکتّاب و بطالهم و حسن حال اهل القری و الشاه.

قران زحل والمریخ فیه: یدلّ علی خلف بلاد القبط و النسویة و آفـات تعرض فی الزروع و الشجر و فساد یظهر فی الناس و جراد یظهر و حروب و موت الفجاه و غلا.

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی یـبس الهـوی و مـوت الملـک و هلاک أکثر الامم و شدّة تنال العالم بالشمال و بالموصل و الجبال.

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علـی حرکـات الجنـد و مطـر الـشدید وخلف و موت النساء و خسارة الامراء و المطربین و الخیار و کثرة الخوارج و خسارة الکتّاب و مطر و رعد و برق و زلزلة.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی حروب و مخالفة الامراء .

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الرطوبات و الحروب و المـوت بالسل و الذم؛ و الله أعلم .

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی حسن احوال التجّار و حـروب تقع بالجبال و فرح ینال اهل العراق و الامرء و موت تقع فی الأکابر و القضاة و کثرة اللصوص و الفساد و مطر و هوی .

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی کثرةالمطر و ریـاح و الخلـف بین الملوک و موت ملک و رطوبة الجو و تغییر الأسعار و غلاءهـا و الرّعـاج ارباب المناصب و موت بعض القضاة.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی عصیان بلد الروم و تسلیمهم لأعدائهم و حصار بعض المدن مع صلاح اهل بابل و سرورهم و کثرة السباع و قلة المطر و حسن حال النساء و المطربین و العلما.

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی کثرة طلاب العلم و فرح الوزراء و هبوب الریاح و زیادة الأنهار و نقص الغلة.

قران المشتری والقمر فیه: یدلّ علی نزال الأمطار و الأنداء و هوی؛ و الله أعلم .

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی کثرة الأمراض و الموت و موت ملک قوی و خسارة الأجناد و مطر وهوی؛ و الله أعلم .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی فقد رجل کبیر و النساء و کثرة النفس و الفساد و المضار و حروب بین الملوک و قتل بعضهم و جراد و شدة الریاح و قوّة الجند و هلاک الوزراء و المطربین.

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی فتن و فزع بفارس و بالعراق و موت ملک صغیر و خوف یعرض فی اکثر البلاد وهلاک الکتّاب و توسط المیاه.

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی کثرة المطر و الأمراض و الموت و الرقّة و الحروب .

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی کثرة المطر و الریاح و موت النساء و المطربین.

قران الشمس و عطارد فيه: يدلّ على حروب و ظهور الروم و يبس الهواء و مطر وخسارة الكتّاب و موت كثير.

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على كثرة الرطوبات و المياه.

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على حروب بين اهل العراق و الترک و ظهور العلوم الحكمة و مطر و افراح الكتاب و النساء .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على حرارة الأمطار و حروب بين اهل فارس و الروم و اسقاط الحوامل و نفاق الدواب.

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على مطر و سيول إن كان اوانه و اهوية.

فصل
فى برج الميزان

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على محاربة الروم بعضها مع بعض و كثرة الفتن وهيج الأعداء و احراقهم لأكثر المدن و قحط و رياح مهلكة و مطر كثير و زكاة الزروع مع كثرة الأمراض و السُّعال و قوّة يد العرب.

قران زحل و المريخ فيه: يدلّ على محاربة الملوک بعضهم ببعض و موت النساء الأكابر و كثرة العشب و المطر و الموت و الامراء و كثرة المفيدين و اوجاع الدم و القتال و الخلف بين العرب و حمرة بالجوّ.

قران زحل و الشمس فيه: يدلّ على حروب بين الملوك و موت النساء و كثرة الأعداء و موت ملك بالحرب و شيب اكثر العالم و مطر و موت الصبيان.

قران زحل و الزهرة فيه: يدلّ على مطر و رعد إن كان اوانه و هوى و موت النساء و صلاح حال المشايخ و الفلاحين .

قران زحل و عطارد فيه: يدلّ على محاربة الملوك بعضهم ببعض و كثرة العشب و حرارة الأمطار و الأنداء و توسط الرياح و خسارة الكتّاب .

قران زحل و القمر فيه: يدلّ على موت النساء الحبالى و الأطفال و شدّة تنال العالم و مرض و جوع و مطر.

قران المشترى و المريخ فيه: يدلّ على كثرة الخوف و العداوة بين الامم و سوء حال التجّار مع موت كثير فى الأكابر و كثرة اللصوص و نهب التّجار؛ و الله أعلم .

قران المشترى و الشمس فيه: يدلّ على مطر و غيوم و موت و مرض و هلاك جماعة من الأكابر و المنسوبين .

قران المشترى و الزهرة فيه: يدلّ على صلاح احوال التجار و مرض ينال الناس و غلاءالطعام و قلة الزرع و افراح النساء و المطربين و مطر و غيوم.

قران المشترى و عطارد فيه: يدلّ على موت ملك بالعجم و بـالروم و كثرة اللصوص و قطع الطرق و نهب التّجار و قحط و رياح الباردة إن كان اوانه و افراح الكتاّب.

قران المشترى و القمرفيه: يدلّ على رطوبة الهواء و افراح الكتّاب.

قران المريخ و الشمس فيه: يدلّ على كثرة النقص بين المـوت و كثـرة الرياح التى تناسب ذلک الزمان و موت و امراض و حروب .

قران المريخ و الزهرة فيه: يدلّ على فتن و سيء و حريق و مضره تنال العالم و النساء و حرب و مرض و مطر .

قران المريخ وعطارد فيه: يدلّ على فساد حال الملوک ببابل و وقـوع الحروب ببابل وحريق بناحية العـرب ومـوت بعـض اولاد الملـوک و حـرب بالعرب و خسارة الكتّاب .

قران المريخ والقمر فيه: يدلّ على فقد ملک بديار رجيحه و المشرق و كثرة الهوام الودىء و نفاق الذوات و توسط المطر و حروب .

قران الشمس والزهرة فيه: يدلّ على كثرة الغيوم و الأمطار إن كان اوانه و موت النساء و الأشراف .

قران الشمس و عطارد فيه: يدلّ على نكبات بعرض الكتّاب و الفقهـاء رمة و رياح و مطر .

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على كثرة الرسل على ورود الأخبـار و اراجيف و مطر و هواء إن كان اوانه .

قران الزهرة و عطارد فيه: يدلّ على كثرة الرسل من الملوک بالصلاح و افراد اهل الموصل و مطر إن كان اوانه .

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على اعتدال هوى و قلة المطـر و طيبـة قلوب العالم .

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على كثـرة الهـواء و الأمطـار و صـلاح الزروع سلامة العالم.

فصل
فی برج العقرب

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على موت ملـک بالجبـال و خـراب بعض المدن و هلاک اكثر الناس و وقوع الموت و الفرق و الحريـق و العـداوة بين الامم و موت الحيّات و العقارب و كثرة الأمطار المهلكـة و الطوفانـات و خسارت القضاة و الفقهاء و افراح الفلاحين و الترک.

قران زحل والمريخ فيه: يدلّ على كثرة الفتن بناحية الجبال و فساد يقع فی اكثر الأقاليم و ظهور جراد موذى بالزروع و رعد و برق و حـروب و فقـد ملک و نقص بعض الامراء و هلاكه؛ و الله أعلم .

قران زحل و الشمس فيه: يدلّ على حروب بين الملوک و كثرة الموت و الطاعون فی الناس و كثرة الهوام مع رطوبة الجوّ و مـوت ملـک بـالعرب و ضائقة تنال العالم و أراجيف شنيعة و رعد.

قران زحل والزهرة فيه: يدلّ على تعب قلوب العالم و اراجيف و موت تقع فى النساء و شدّة تنال الناس و افراح الفلاحين.

قران زحل وعطارد فيه: يدلّ على كثرة الحروب بين الملوك و وقوع الطاعون فى الناس و سوء حال الكتاب و موت الدواب و مطر و رعد إن كان اوانه.

قران زحل و القمر فيه: يدلّ على مراسلات بين الملوك و وقوع الموت و كثرة الرطوبات و مطر إن كان اوانه.

قران المشترى و المريخ فيه: يدلّ على حرب بالعراق و خراب اكثر اهل البلاد و سيء اهلها و كثرة الموت فى الأكابر و قتل و نهب و قلة المطر و السمك و المطر.

قران المشترى و الشمس فيه: يدلّ على رطوبة الهوى و موت كثير و اراجيف مزعجه و سوء حال القضاة و الاكابر.

قران المشترى و الزهرة فيه: يدلّ على غموم تعرض لملك الجبال و وقوع الخلف بها و موت ملک جديد و كثرة الموت فى اكثر الأقاليم و حسن حال النساء و المطربين و كثرة الأمطار و إن كان أوانه .

قران المشترى و عطارد فيه: يدلّ على خلف بالشام و صلاح حال ارباب الأقلام و كثرة الرسل بين الملوك و حرب بالشمال و رياح شديدة.

قران المشترى و القمر فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و إن كان أوانه و زيادة المياه؛ و الله أعلم .

قران المريخ والشمس فيه: يدلّ على كثرة الحروب و القتال و موت ملك لحأة[١] و يبس الهواء و حرارة الوقت و حاجة الملوك إلى الجند.

قران المريخ والزهرة فيه: يدلّ على موت بعض نساء الملوك و موت اهل الجبال على خوزستان و قلة الرطوبات و ظهور الأشياء الشنيعة.

قران المريخ و عطارد فيه: يدلّ على موت ملك ببادية العرب و ثوب اهل الجبال عليهم و بأكثر اراضيهم و كثرة الأرجاع فى العالم و الموت و خسارة الكتّاب و الرسل و مطر إن كان أوانه.

قران الشمس و الزهرة فيه: يدلّ على مطر و موت النساء و الحبالى.

قران الشمس و عطارد فيه: يدلّ على مطر و نداوات و هبوب رياح باردة إن كان أوانه.

قران الشمس و القمر فيه: يدلّ على مطر وهبوب رياح و كثرة اللصوص.

قران الزهرة وعطارد فيه: يدلّ على صلاح اهل الموصل و ارباب الأقلام و رعد و برق و مطرإن كان أوانه.

قران الزهرة و القمر فيه: يدلّ على رطوبة و مطر إن كان أوانه .

قران عطارد و القمر فيه: يدلّ على حروب و موت الأطفال و النساء و امطار و هبوب رياح .

---

١. كذا فى النسخة .

فصل

فى برج القوس

قران زحل و المشترى فيـه: يدلّ على وقوع البلايا و الشدائد فى اكثـر الأقاليم و الحروب بـأرض القبلـة و سـوء حـال القـضاة و الفقهـاء و وقـوع الأراجيف و ظهور الحروب بين اهل شام و الأفرنج و قحـط الحنطـة و كثـرة العداوة بين الامم و مطر و اختلاف الأهوية .

قران زحل و المريخ فيه: يدلّ على وقوع الحرب بين الملـوک و کثـرة الموت فى الأقاليم و الأمراض و هبوب رياح و رخص الطعام و حرب بالترک.

قران زحل و المشترى فيه: يدلّ على وقـوع المـوت فـى المواشـى و وقوع الحرب بين الملوک و موت ملک عظيم و مطر و رعـد و بـرق و زکـاة الزرع و خسارة المشايخ و الفلاحين و الشاة.

قران زحل و الزهرة فيه: يدلّ على مـوت بعـض النـساء و الملـوک و خسارة المطربين و مطرإن كان أوانه و رياح.

قران زحل و عطارد فيه: يدلّ على فتن و موت و سوء حال الوزراء و الکتاب و ترک العلوم و الحکمة و حرب بين ملکين وخروج خوارج و هبوب الرياح و قلة زکاة الزرع.

قران زحل و القمر فيه: يدلّ على كثرة الموت و هلاک المرضى و قلـة النبات و کثرة العداوة بين الأعوام والرسل بين الملوک و مطر و هوى .

قران المشتری والمریخ فیه: یدلّ علی موت ملک بالروم و وقوع الموت فیها و حریق بعض الأماکن وشدّة البرّ و إن کان أوانه و رخص الطعام و وقوع الموت فی الأغنیاء و کثرة الأحزان.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی کثرة الامطار و وجع ملک بالعراق و کثرة الموت فی الأکابر.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی کثرة الأراجیف فی النواحی الشمالیة و حروب أکثر النواحی و صلاح حال النساء و الخواتین .

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی انتقال ملک من موضعه بالشام و حرب و صلاح حال ارباب البرید و اصحاب الأخبار و السعادة و النحاس و مطرإن کان أوانه.

قران المریخ و الشمس فیه: یدلّ علی رطوبة الجوّ و مطر إن کان أوانه و حرب و قتال و سفک دم و موت ملک و شماعه و خلف .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی خسارة الوزراء و الکتّاب و اراجیف رسل بین الملوک و قتال و موت و سقوط الجراد و فساد الغلات و مطر.

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی کثرة المطر فی زمانه وقتال و اراقة الدماء و موت و امراضهم فی جمیع الأقالیم .

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی توسط الأمطار و الریاح و موت یقع فی النساء و امراضهنّ.

قران الشمس و عطارد فیه: یدلّ علی وقوع الوبا و الخلف بین الناس و ریاح و مطر و موت ملک بالساحل .

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی مطر فی أوانه مع کثرة الجراد علی الرعیة و کثرة الأراجیف.

قران الزهرة و عطارد فیه: یدلّ علی مطر و ریاح و فتن فی جمیع الأقالیم و اجتماع الناس بارض العراق.

قران الزهرة و القمر فیه: یدلّ علی استعمال الاغانی و اللهو و الشعف و المتعة بالنساء.

قران عطارد و القمر فیه: یدلّ علی موقف المطر و تأخره إلی آخر السنة و یکثر و یموت ملک بالساحل .

فصل

فی برج الجدی

قران زحل ومشتری فیه: یدلّ علی نفاق السعر و موت الغنم و المواشی و قلة الأنداء و نقصان المیاه فی الأنهار و الآبار و فقد ملک بالعراق و الجبال و هلاک اللصوص و الوحوش و صلاح حال الشاة و فلاحین.

قران زحل و المریخ فیه: یدلّ علی شدّة البرد إن کان أوانه و حروب و موت ملک و شرّ و لصوص و امراض مهلکة و حریق و قلة النبات و جراحات بعض الأمراء .

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی رطوبة الجوّ و نقص الامیاه و موت ملک و خسارة المشایخ و الفلّاحین و همّ ینال السلاطین و رسل بینهم.

قران زحل والزهرة فیه: یدلّ علی خلف و حروب بالروم و کثرة الأمراض فی النساء و موت الخواتین.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی وقوع الموت فی الأشراف و ارباب الأقلام و مطر و هوی شدید و نقص العشب و زلازل و خسوف و موت ملک صغیر السن .

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الرطوبات الأمیاه و المرض و الموت.

قران المشتری و المریخ فیه : یدلّ علی وقوع الموت بالروم و موت السباع و الهوام الموذیة و الطیر الماشی و الغنم وسنی فی أکثر الأقالیم.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی تجبر بعض الملوک ومکون ستّه صالحه مع موت الدواب و تحویل الاسعار و موت تقع فی العلماء و رطوبة الجوّ و زلازل و قلة الثّمر.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی فقد ملک بالروم و موت الغنم و قلة الطعام فی السواد و حسن حال النساء و الخواتین.

قران المشتری و عطارد: یدلّ علی حروب تعرض الیمن و سقوط ملک الروم و امراء عسکر و ثوب اعلامه علیه و افراح الوزراء و الکتّاب.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأنداء و الأمطار فی اوانه.

قران المریخ والشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و حرب قتال و فتن و خلف و اراجیف و موت و امراض .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی حریق فی ارض اربل و العراق و موت النساء و حرب و مطر .

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی موت ملک و اوجاع و موت فی الناس و فتن و سیء و موت فی الأغنام و قلة العصافیر و الاوهان و برد شدید و مطر إن کان أوانه .

قران المریخ و القمر فیه: یدلّ علی موت ملک صغیر السن و قتال و فتن و سیء و کثرة الموت بالروم و بالجبال و مطر و هوی و حریق .

قران الشمس و الزهرة فیه: یدلّ علی وقوع الطاعون و هبوب ریاح و کثرة الموت فی الاطفال و سوء حال المُطربین و النساء و الخدم و غبار و تکدّر الجوّ و ضیقة تنال الکتّاب و اصحاب الجدل .

قران شمس و عطارد فیه: یدلّ علی هبوب ریاح.

قران الشمس و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأمطار إن کان اوانه.

قران الزهرة و عطارد فیه: یدلّ علی موت ملک بالروم و کثرة السبی و اجتماع اهل القری و اسقاط الحبالی و شدّة البرد و موت ملک بالعراق و مطر.

قرآن الزهرة والقمر فیه: یدلّ علی صلاح حال العالم و نجاتهم من المخاوف و رطوبة الجوّ و کثرة الأمطار و الثلوج.

قران عطارد والقمر فيه: يدلّ على كثرة الأنـداء و الثلـوج و المطـر إن كان أوانه .

فصل

فى برج الدلو

قران زحل والمشترى فيه: يدلّ على شدّة تنال الناس و قحط فى اكثـر البلاد و الاقاليم و خلف بين الملوک و السلاطين و القـضاة و الفقهـاء و مـوت عظيم و مطر و ثلوج و مدود الأنهار و حسن حال الفلاحين .

قران زحل والمريخ فيه: يدلّ على وثوب الأعداء على بـلاد العـرب و قلة الأمطار و حروب و اراجيف و خلف بين الملوک.

قران زحل و الشمس فيه: يدلّ على وثوب الأعـداء و شـدايد بـأرض الحجاز و موت يقع بالمغرب مع رطوبة الجوّ و موت ملک.

قران زحل و الزهرة فيه: يدلّ على موت النساء و خسارة المطـربين و مرض و سعال و مطر .

قران زحل وعطارد فيه: يدلّ على كثرة الأمطار و الجليد و زيادة المياه فى الأنهار و قلة الرعود و زكاة الـزروع و مـوت يقـع فـى اربـاب الأقـلام و الوكلاء.

قران زحل و القمر فيه: يدلّ على شدّة تنال الأعوام و كثـرة الأنـداء و الأمراض والموت.

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی حروب و قتال و هیج الأعداء علی بلاد و لایدوم ذلک و قلة الأمطار.

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و ظلمة الجوّ و کثرة السمک و الطیور و موت الأکابر و القضاة .

قران المشتری والزهرة فیه: یدلّ علی خلف بارض فارس و قتل رجل مذکور و قحط أکثر البلاد و عزه و الطعام بارض الترک ومایلیها و صلاح حال اهل اربل و العراق.

قران المشتری وعطارد فیه: یدلّ علی قتل ملک و خراب مدینة. بالمشرق و سفک دم بالروم و امطار و زکاة الزروع و صلاح حال ارباب الأقلام.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة الأنداء و الامطار و مدود الأنهار .

قران المریخ والشمس فیه: یدلّ علی یبس الهوی و حروب و فتن و موت ملک؛ و الله أعلم .

قران مریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی موت الملوک مع شدّة تنال اهل المغرب و تکثر الخراب بالحجاز و کثرة القحط و قلة المطر.

قران مریخ وعطارد فیه: یدلّ علی هلاک اهل الساحل بنواحی المغرب و تکثر الخراب بالحجاز و کثرة القحط و قلة المطر .

قران مريخ وعطارد فيه: يدلّ على هلاک اهل الساحل بنواحی المغرب و موت ملک و كثرة القتال و الفتن فی أكثر البلاد و سیء بعضهم بعضا و كثرة الموت بفارس و بالعرب و نفاق البقروكثرة الصيد و غلاء و مطر و انداء .

قران مريخ وقمر فيه: يدلّ على كثرة الحرب و الفتن و خلاف بين العوام؛ و الله أعلم .

قران الشمس والزهرة فيه: يدلّ على يبس الهواء و امطار مضره و رياح باردة و موت النساء.

قران الشمس وعطارد فيه: يدلّ على قوة الكتّاب و الامراء و حروب بين المجالس و القبلة و مطر و هوی بارد فی اوانه.

قران الشمس والقمر فيه: يدلّ على كثرة الرعود والبروق والأمطار و زيادة النيل.

قران الزهرة وعطارد فيه: يدلّ على خلف بين الروم و الترک و رياح شديدة و رعد و برق.

قران الزهرة والقمر فيه: يدلّ على الأنداء و زيادة الأنهار و الابار و اهوية باردة و حسن حال النساء .

قران عطارد والقمر فيه: يدلّ على خلف بالروم وهبوب رياح باردة و حسن حال النساء.

فصل

فی بروج الحوت

قران زحل و المشتری فیه: یدلّ علی حدوث الموت فی أکثر الأقالیم و هیج الأعداء علی الملوک و وقوع الخلف فیما بین الملوک و قلـة الـسمک و کثرة الجراد و الأمطار و الثلوج و زیادة المیاه هلاک ملک بـالعراق و جلـوس ولده موضعه و حسن حال المشایخ و الفلاحین و فقد ملک بالمغرب و قحـط بالعجم .

قران زحل و المریخ فیه: یدلّ علی وقوع الخلف و حروب و قتال فـی أکثر الأقالیم و حروب فی بلاد الیمن و الهند و نواحیهم و سفک دم بالـشام و العراق و فی الشتاء علی رعد و برق.

قران زحل و الشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و قلة الأمطـار و سـوء احوال الأشراف و فقد ملک عظیم و حرب و فتن .

قران زحل و الزهرة فیه: یدلّ علی سقوط الحوامل مع کثرة الأمطـار و الرعود و شدّة البرد و تهتک الاسـتار و شـناعة النـساء و خلـف و خـلاف و حملات بالجبال و اربیل و ارخص الأذهان و العرف.

قران زحل و عطارد فیه: یدلّ علی سوء حـال الـوزراء و الأشـراف و الحساب و کثرة المطر و السمک و مدود الأنهار و رطوبة الجوّ .

قران زحل و القمر فیه: یدلّ علی قلة الأنداء و المیاه و الأمطار و موت کثیر و خلف.

قران المشتری و المریخ فیه: یدلّ علی ملک بالشام و انتقاله إلی غیرها بلده و اصطناعه المعروف مع رعیة و ظهور آیات و عجائب سماویة و سلامة الناس من الأمراض و حرارة الهواء .

قران المشتری و الشمس فیه: یدلّ علی صلاح احوال السلاطین و طیبة قلوبهم و رسل بینهم و بالصلاح و حسن الغلات و موت ملک بالمغرب و رجل مشهور و مهنوم و امطار فی اوانها.

قران المشتری و الزهرة فیه: یدلّ علی شمول السلامة لأهل البلاد و موت الحبالی و فتنة بالموصل و کثرة الأمطار و المیاه و زکاة الزرع و العشب.

قران المشتری و عطارد فیه: یدلّ علی حسن حال الوزراء و العلماء و الأشراف و قائدتهم منه الملوک و مطر و شدّة ریاح.

قران المشتری و القمر فیه: یدلّ علی کثرة السمک و مدود الأنهار و کثرة الطیور و مطر و شدة الریاح.

قران المشتری والشمس فیه: یدلّ علی یبس الهواء و حروب بین الملوک و فتن و خلف و رعد و برق و مطر و طوفان .

قران المریخ و الزهرة فیه: یدلّ علی موت ملک بالشام و کثرة الموت و الوجع فی الأغنیاء و کثرة المطر و المیاه.

قران المریخ و عطارد فیه: یدلّ علی محاربة اهل الروم لأهل المشرق و خراب بلاد کثیرة خلق و قتال بالحجاز و حرکات الکفر و موت فی الکتّاب و مطر و ریاح و عزل بعض الوزراء و تعب قلوب ارباب الأقلام .

قران المريخ والقمر فيه: يدلّ على خلف و حروب فى البلاد الشمالية و خراب بلاد كثيرة و قتال و حرب بالحجاز و مطر؛ والله أعلم .

قران المشترى والزهرة فيه: يدلّ على كثرة السمک و الطير و امطـار و تنال العشب.

قران الشمس وعطارد فيه: يدلّ على كثـرة الأنـداء و رعـد و بـرق و اهوته.

قران الزهره وعطارد فيه:يدلّ على صلاح احوال الناس و عدل الملوک و رعد و برق و زيادة المياه و كثرة المرسلات.

قران الشمس والقمر فيه: يدلّ على اهوته و رطوبة الجوّ و مطر .

قران عطارد والقمر فيه: يدلّ علـى خلـف بـالروم و زيـادة الأنهـار و الأنداء و كثرة الطاير و السمک.

تمّت القرانات.

فصل

فی منازجات الکواکب

إذا اتصل زحل بالمشتری مِن تسدیس أو تثلیث: یـدلّ علـی حـسن حال المشایخ و الفلاحین و طیبة قلوب العبید و الخدم و رخص الطعام و قـوّة الملوک و الأشراف .

و إذا اتصل به من تربیـع: یدلّ علی انتشار الحروب و طلب الملـوک بعضهم بعض و تعبیر امور کثیرة من الأحوال الملوک و کثرة الفـتن و النهـب و سوء حال الأشراف و القضاة و ارباب الناموس.

و إذا اتصل مِن مقابله: یدلّ علی حروب بین الملوک و الامم و فـساد الأدیان و المذاهب و انقطاع الحج و نهبهم و تلاقیهم و رخص الطعام و کـساده و اقبال الفلاحین و المشایخ .

و إذا اتصل زحل بالمریخ من تسدیس أو تثلیث: یدلّ علی تغییر امور العالم و خلف بین الامم وتحریک الأخبار و العساکر و رسل و مطر فی اوانه.

و إذا اتصل من تربیع: یدلّ علی کثرة اللـصوص و الـسراق و انتـشار الحروب و ینال الرعیة من الملوک شدّة و خسارة تنـال الأخبـار و المـشایخ والفلاحین وتغییر امور شتی و کثرة المودین و حصار المدن و القلاع و اراجیف کثیرة و موت بالدم و الصلب.

و إذا اتصل من مقابله: يدلّ على مضره العالم بعضهم لبعض و عداوة تقع بين الملوك و حروب و شرّ و موت و دم و تباعد بين الامم و طرق بين عسكرين عظيمين.

و إذا اتصل زحل بالشمس من تسديس أو تثليث: يدلّ على افتقار الملوك إلى رعيّتهم و حاجتهم إليهم و قوّة سلطان العرب مع حركات الملوك و رسل بينهم و مطر فى أوانه .

و إذا اتصل مِن تربيع: يدلّ على فقد ملک و موت سلطان و سم تنال الملوک و الرعيّة و اراجيف و تغيير احوال الملوک و قواعدهم و رسل بينهم بالبشر و تحريک العساكر و شدّة خوف و كثرة الأسرار و الاعتقال .

و إذا اتصل بها من مقابلة: يدلّ على كثرة المنازعات بين الملوک و بين الامم و سوء حال الفلاحين و المشايخ و جفول السوادات و كثرة الجور على رعايا و نهب و مطر فى أوانه و موت و أوجاع .

و إذا اتصل زحل بالزهرة من تسديس أو تثليث: يدلّ على طيبة قلوب العالم و الفلاحين و المشايخ و طيّبة قلوب النساء و الخدم و مطرإن كان أوانه .

و إذا اتصل زهرة من تربيع: يدلّ على عسر ولادة النساء و موت النساء و همّ ينال المطربين و الخواتين و فساد حالهم وخصومة بين الناس و هلاک و القطر و المطر .

و إذا اتصل بالزهرة من مقابلة: يدلّ على كثرة الخصومة بين النساء و ازواجهن و موت تقع فی النساء و هلاكهنّ و خسارة المطر و غمّ تنال الرعيّة و مطر كثير فی اوانه و خبا بالجبال و نواحی اربل .

و إذا اتصل زحل بعطارد من تسديس أو تثليث: يدلّ على اختلاف الرياح العاصفة و كثرة الغبار و الأمطار إن كان اوانه و حركات الامم و كثرة الأمراض و القطر فی الكتب و العلوم القديمة مع افراح المشايخ .

و إذا اتصل من تربيع: يدلّ على الخوف و كثرة الأراجيف و الأخبار المزعجة و خسارة تنال الكتّاب و موت و كثرة مرض و مطر إن كان اوانه و رياح مختلفة و استعمال الحر و الرقاء و الزور.

و إذا اتصل به من مقابلة : يدلّ على تزوير الكتب و كثرة الخصايم و المجادلات وكثرة الكذب و خسارة ارباب العلم و رخص الدواب و حركات العساكر وتنقل أكثر العالم من أوطانهم و همّ ينال اهل البلاد الذی تتولاه عطارد و اراجيف ترعجه و الثلج و الضّباب مع كثرة الأهوية و المطر إن كان أوانه .

و إذا اتصل زحل بالقمر من تسديس أو تثليث: يدلّ على اتصال الايمان الحاشة[1] و الزور و الوثاق و الحبوس و المطر إن كان أوانه .

و إذا اتصل به من تربيع: يدلّ على الجيوش و ضرب الضباط و كثرة الأمراض فی العالم السوداوية مع كثرة الهموم و الدم و اسقاط الحوامل و كثرة المخاوف بين العالم و الهموم و الأفكار و وقوعهم فی المكان؛ و الله أعلم .

---

۱. كذا فی النسخة .

و إذا اتصل به من مقابلة: يدلّ على كثرة الخصائم و الاهتمام بالفكر و وقوع أكثر العالم فى المكان و ما اشبه ذلک.

فصل

فى منازجات الكواكب بالمشترى

إذا اتصل المشترى بالمريخ من تسديس:يدلّ على كثرة الجهاد و الغزوة و الحج و اقامة المذهب و حسن حال الاحفاد و الاراء و فرج الملوک.

و إذا اتصل به من تربيع أو تثليث: يدلّ على كثرة الحروب و القتال و التغلب و اللصوص قطع الطرق و أخذ التجّار و تصيب العالم ثلاثة من السلاطين وفزع شديد و حركات الجند وحرب بين الملوک و الاسلام و خلف موت بعض الأكابر و الزهاد .

و إذا اتصل به من مقابلة: يدلّ على كثرة الخصايم و الظلم و النهم و اللصوص و مرض فى الروم و موت كثير وحرب بين الامم و الكفر و ارباب الدّين و الناموس و حصار بعض القلاع.

و إذا اتصل المشترى بالشمس من تسديس أو تثليث : يدلّ على فرح الملوک بالنواحى الشرقية و الشمالية و كثرة المراسلات بالصلاح و صلح بين ملكين و عهود و صلاح احوال الأكابر و الأشراف و رخص الطعام و مطر إن كان أوانه.

و إذا اتصل المشترى بالشمس من تربيع: يدلّ على اهويه و الرعاع ارباب الدّين و غضب السلطان عليهم و مضرة تنال العراق و فقد رجل مذكور و خلف .

و إذا اتصل المشترى بالشمس من مقابله: يدلّ على هبوب رياح عاصفة و كثرة الخصايم و المنازعات و الشناعات و خلف بين ملكين عظيمين و نقض عهود و ايمان و تغيير قواعد قديمة و مضره تنال العلماء و ارباب الدّين.

و إذا إتصل المشترى بالزهرة من تسديس أو تثليث: يدلّ على تدين النساء و زهدهنّ و متايهن مع افراح المطربين و الخواتين و طيبة قلوب العالم مع تحرک الأسعار و افراح اهل الدين و اهل العلم و مطر إن كان أوانه .

و إذا اتصل المشترى بالزهرة من تربيع: يدلّ على كثرة المراسلات بين الملوک و افراح اهل ناموس و المذهب و كثرة الجدل و المناظرات و كثرة الفطن و الأذهان و الرياحين و مطر و هوى ينسب إلى ذلک الوقت .

و إذا اتصل المشترى بالزهرة من مقابلة: يدلّ على كثرةالفتن بين النساء و ازواجهن و طيبة قلوب الخواتين و المطربين و فرح الرعيّة و مطر و هوى فى اوانه .

و إذا اتصل المشترى بعطارد تسديس أو نثليث: يدلّ على فرح الوزراء و ارباب الاقلام و كثرة الجدل و المناظرات عند اهل العلم و مطر و هوى فى اوانه.

و أذا اتصل المشترى من تربيع: يدلّ على خصايم بين الفقهاء و ظهوراسراركثيرة مع الكذب و الزور و كثرة الأراجيف الكاذبة و أخبار مزعجة و حركات الكتّاب و تغيير ارباب المناصب و مطر و هواء و كدر الجوّ.

و إذا اتصل المشترى بعطارد من مقابلة : يدلّ على الخصايم بين العلماء و الجدل و كثرة المراجعات فى المعامعلات و تغيير بعض ارباب المناصب و الدواوين كرقيقة و رسل بين الملوك و افراحهنّ و هواء و مطر و ضباب و عجاج بان كان اوانه .

و إذا اتصل المشترى بالقمر من تسديس أو تثليث : يدلّ على ظهوراهل الدين و الربوبية و ظهور مدعى بدعاوى باطلة بغير ديانات و صلاح احوال العامة و فرح و اخبار طيّبة و هوى طيب .

و إذا اتصل المشترى بالقمر من تربيع: يدلّ على كتمان الأسرار و الديانات وارتفاع ينال العباد و كثرة التعبد و تجديد مساجد و بيوت العبادة و كثرة الأراجيف و الجدل و الخصام .

و إذا اتصل المشترى بالقمر من مقابلة: يدلّ على كثرة الخصومات فى الاديان و الفقه و المحاكات.

و إذا اتصل المريخ بالشمس من تسديس أو تثليث: يدلّ على ظهورالملوك و قوّة ايديهم وحركات العساكر و الأخبار و نظر الملوك فى حق الجند و عزّة الأسلام و اخبار طيبة نشرالأخبار و مطر فى اوانه .

و إذا اتصل المريخ بالشمس من تربيع: يدلّ على موت ملك أو أمير و كثرة الموت و المرض و الجدال و انتشار الحروب و خلف بين الملوك و كثرة جورهم على بعض و هم ينالهم و خصايم و فتن بين العالم و كثرة الظلم و حريق و نهب و خراب بعض الحصون أو أخذه .

و إذا اتصل المريخ بالشمس من مقابلة :يدلّ على الحرب و القتال و الخلف و منازعة و هيج الحرب و خسارة الملوك و موت ملك أو امير أو نقص على بعض الامراء و موت كثير و اوجاع الدم و مقابلة بين ملكين أو عسكرين على حرب و مصاف و هوى و عجاج .

و إذا اتصل المريخ بالزهرة من تسديس أو تثليث: يدلّ على كثرة النسک بسهولة ولادة النساء مع حسن حال الجند و حاجة الملوک إليهم و رخص الأسعار .

و إذا اتصل المريخ بالزهرة من تربيع: يدلّ على كثرة الزنا و الفجور و الفساد مع كثرة الهيكة و افتضاح النساء بلاء يقع فيهم و مكاره و موت و الزعاج ينالهنّ و مطر فی اوان و خباط فی نواحی الشمال و الجبال و نواحی اربل و جفلات و خوف و هوى مزعج و عجاج .

و إذا اتصل المريخ بالزهرة من مقابلة: يدلّ على شدّة تنال النساء و موتهم و عسر الولادة و موت الأطفال و فقد ملک صغير السن و كثرة الفساد و فرح الامراء و الجند و خلف بالجبال بشمال.

و إذا اتصل المريخ بعطارد من تسديس أو تثليث: يدلّ على كثرة حركات العساكر و السلاطين و رسل بينهم بالمودة و طلب الجهاد .

و إذا اتصل المريخ بعطارد من تربيع: يدلّ على خسارة تنال ارباب الأقلام و المتصرفين و كثرة الأمراض و الموت وعزل بعض الوزراء و موت ملک صغير السن و اراجيف و قبض و خلف و اخبار مزعجة و تغيير الأسعار و رخص الدواب و حركات الأجناد و ظهورالسلاح و حرب لسرد و مطر و غزو فی الكفر .

و إذا اتصل المريخ بعطارد من مقابلة: يدلّ على كثرة الخصايم بين العلم أو الجدال والخداع و المخاريق و الاعمال الناريه و كثرة المكر و قتل و السرقة و خسارة تنال ارباب الأقلام و قبض وزير و موت ملک صغير السنّ .

وإذا اتصل بالقمر من تسديس أو تثليث: يدلّ على حسن حال الامراء و الأخبار و ارباب السلاح .

و إذا اتصل المريخ بالقمر من تربيع :يدلّ على جور الملوک على الرعية و ظلم و قياد الجيوش و كلّ عملٍ بالنار و كثرة الأراجيف .

و إذا اتصل المريخ بالقمر من مقابلة : يدلّ على كثرةالحروب و القتال و المنازعات و الظلم و الزور.

و إذا قارنت الشمس للزهرة: يدلّ على ضرر ينال النساء الحبالى و موتهم و خسارة ينال المطربين و الخواتين و مطر و رياح باردة و ضباب إن كان أوانه .

احتراق عطارد: یدلّ علی کتمان الأمور و الأسرار و مطر و رعد و برق فی اوانه و غبار و عجاج و مرض و موت و خسارة الوزراء و الکتّاب.

و إذا اتصل الشمس بالقمر من تسدیس أو تثلیث: یـدلّ علـی ظهـور الأسرار و افشائها و صلاح احوال العامّة و مطر إن کان أوانه .

و إذا اتصل المشتری بالقمر من تربیع: یدلّ علی شدّة و عسر و تعب قلوب العالم من الملک و ظهور اسرار الملک .

و إذا اتصل الشمس بالقمر: من مقابلة یدلّ علی المصادرات و عـداوة بین ملکین .

و إذا قارنت الزهرة بعطارد: یـدلّ علـی ظهـور الأجنـاد و الکتـب و الاشتغال بالعلوم و صلاح احوال الوزراء و اربـاب الأقـلام مـع کثـرة اللهـو و الاشتغال بالنساء.

و إذا اتـصل الزهـرة بعطـارد مـن تـسدیس أو تثلیـث: یـدلّ علـی ظهورالمودّة بین الامم و صلح بین ملکین و فـرح الکتّـاب و الـوزراء و اهـل الموصل و مطر فی اوانه.

و إذا اتّصَلت الزهرة بالقمر من تسدیس أو تثلیث: یدلّ علی اسـتعمال الناس الأُغانی و الرقص و الخروج إلی الفرح و البساتین .

و إذا اتصلت الزهرة بالقمر: من مقابلة یدلّ علی الخصائم بین النساء و الرجال و غدر النساء و ما أُشبه ذلک و اراجیف العالم؛ و الله أعلم .

و إذا اتصل عطارد بالقمر من تسديس أو تثليث: يدلّ على نظر العـالم فى العلوم و طلبها و اشتغالها و مطر و هواء إن كان أوانه .

و إذا اتصل عطارد بالقمر من تربيع:يدلّ على طلـب الكتـب و العلـم السحر و الاسرار الخفيّة و النّجوم و كلّ شىء يَسرٍّ و يكتم .

و إذا اتصل عطارد بالقمر من مقابلة :يدلّ علـى منـاظرة النـاس فـى العلوم الزهديّة و كثرة المجادلات و نفاق الكتب.

فصل

فى اشراف الكواكب

شرف الشمس: يدلّ على افراح الملوك و السلاطين و اخبار لترسيم و اطلاق السجون .

شرف القمر: يدلّ على افراح العامة و السوقية و الاوباش .

شرف زحل: يدلّ على علوّ مراتب المشايخ و طيبة القلوب الفلاحين و رخص الطعام و معاش العلم و النساء و افراح العبيد و السودان و الفقر و اليهود.

شرف المريخ: يدلّ على سعادة الامراء و الأخبـار و كثـرة خيـرهم و زيادة اموالهم و معاش ارباب السلاح و صنّاع النّار و كثـرة اللـصوص و قطـع الطريق.

شرف الزهـرة: يدلّ على صلاح حال المطـربين و الخـواتين و افـراح النساء و سلامتهم و افراح العالم .

شرف المشتری: یدلّ علی فرح القضاة و الفقهاء و العدول و المشایخ و الزهاد و الاشراف و الوزراء و رخص الطعام و طیبة قلوب العالم .

شرف عطارد: یدلّ علی طیبة قلوب ارباب الاقلام و الوزراء و سلامة التّجار و زیادة فوایدهم.

فصل

فی احوال الکواکب مع الرأس

زحل مع الرأس: یدلّ علی زکاة الزروع و النبات و کثرة الخیرات و الفواکه و اقبال الفلاحین و المشایخ و العبید و السودان .

المشتری مع الرأس: یدلّ علی حسن حال ارباب الدین و الناموس و رخص الطعام و طیبة قلوب العالم و الرعیّة .

المریخ مع الرأس: یدلّ علی طیبة قلوب السلاطین و ارباب الجند و کثرة اللصوص و العرایس اقبالهم .

الشمس مع الرأس: یدلّ علی فرح الملوک و اخبار طیبة و رسل و اقبال الممالک .

الزهرة مع [الرأس]: یدلّ علی فرح النساء و المطربین و الخدم و الخواتین و اقبال العالم و الرعیّة و مطر إن کان أوانه.

عطارد مع الرأس: یدلّ علی صلاح حال الوزراء و ارباب الأقلام و اهل الموصل و مطر فی اوانه.

القمر مع الرأس: يدلّ على اخبار طيّبة و افراح العالم .

فصل: و امّا الكواكب مع الذنب فعكس ما ذكرناه؛ و الله أعلم .

فصل

فى احوال الكواكب عند ظهورها

ظهور المشترى مشرق: يدلّ على اقبال القضاة و الفقهاء و حسن حالهم و طيّبة قلوب الرعية و العبيد .

ظهور المريخ مشرق: يدلّ على حسن حال الاجناد و افراح .

ظهور الزهرة مشرق: يدلّ على قلة المطر و افراح الخواتين و المطربين و طيبة قلوب الرعيّة .

ظهور عطارد مشرق: يدلّ على فرح الوزراء و ارباب الأقلام و طيبة قلوب الرعيّة و العمداء هواء و مطر إن كان أوانه.

فصل

فى غروبها

غاب زحل : غرب يدلّ على خسارة المشايخ والفلاحين و مطر و تغيير الجو و هم ينال العالم و بطالة الرعيّة .

غاب سا ى ب : يدلّ على توقف حال ارباب الدين و الناموس و غبار و مطر إن كان أوانه .

غاب ح ب: یدلّ علی خسارة تنال الامراء و الأجناد و قبض بعض الامراء و الاجناد و قبض بعض الامراء و توقف احوالهم.

غاب سا و ق: یدلّ علی مطر و هوا و برودة الزمان و موت یقع فی النساء و خسارة المطر بین و الخواتین.

غاب و ب: یدلّ علی عجاج و هواء و مطر إن کان أوانه و خسارة الکتاب و ارباب الأقلام و المتصرفین و الوزراء .

فصل

فی احوال الکواکب عند استقامتها

م ل: یدلّ علی طیبة القلوب الملوک و السلاطین الکبار و ملوک الغرب و فواید اتّصل إلی المشایخ و الفلاحین و افراحهم و افراح العبید و الخدم .

م ی: یدلّ علی فرح القضاة و الأکابر و الفقهاء و قصر الطعام و مفاقة و رسل بین الملوک بمایسرهم .

م ح: یدلّ علی الاجناد و عزّة نفوسهم وکثرة حوائج الملوک إلیهم و عزّة السلاح.

م ت : یدلّ علی فرح العالم و النساء و المطربین و اهل اربل .

م و: یدلّ علی فرح الوزراء و اهل الأدب و الکتّاب و طیبة قلوب العالم و مطر إن کان أوانه .

فصل

فى احوال تأثيراتها فِى الأقاليم

زحل: له الأقاليم الاوّل و ابتداء من خط الاستواء إلى أن يمشى فى حده ٢٠ و٣٠ دقيقه و هوالسند و الهند و الحبشة و القبط و سود من الجنوب و المغرب و اليمين و غرب و النبط.

الأقاليم الثانى للمشترى: و ابتداءه من حدّه ٢٥ درجة و ٣٥ دقيقة إلى عرض٢٧ درجة و ٤٥ دقيقة و هو بابل و فارس و اهل خراسان و الترک و البربر و افريقة إلى المغرب.

الأقاليم الثالث للمريخ وابتداءه : من حده ٤٧ درجة و ٤٥ دقيقة إلى ٢٢ درجة و ٢٥ دقيقة و هو الشام والروم والصفالية و من كان فيما بين المغرب و الشمال .

الأقاليم الرابع للشمس: و إبتداءه من حدّ٣٣ درجة و٤ دقيقه إلى حد ٢٩درجة ٤٥ دقيقة و هو الحجاز و بيت المقدس و جبل لبنان و ارمنيه و الان و الديلم و خراسان إلى الصين.

الأقاليم الخامس: إبتداءه من حد ٤٩ درجة ٤٩ دقيقة إلى حد ٤٢ درجة و هو بابل و العرب و الحجاز و مايليه و ما كان العمان فى جزيرة أو وسط آخر.

الأقاليم السادس: إبتداءه من حد ٤٣ درجة إلى حدّ ٤٩ درجة و ٣٥ و هو مكة و المدينة و ارض العراق و الديلم و جيلان و طبرستان .

الأقاليم السابع: إبتداءه من حد ۴۹ درجة و ۳۵ دقيقه إلى حدّ ۶۳ درجة و ذلک الشمال و هو الموصل و آذربايجان و دروب العوام من الناس فی کل موضع .

باب
اوجات الكواكب

ح ل: يدلّ على صلاح احوال الشاة والمشايخ و طيبة قلوب الاكراد و اهل الجبال .

ح ی: يدلّ على صلاح احوال الفقهاء و القضاة و اهل الدين و الناموس.

ج خ: يدلّ على كثرة فوايد الجند الامراء و صلاح معايش السلاح .

ح س: يدلّ على حاجة الملوک إلى الجند و جرّالزّمان شيخوخية و هبوب السمايم و قوّة الترک .

ح ه: يدلّ على طيبة قلوب الخواتين و كثرة فوايد المطر بين و فرح العالم .

ح د: يدلّ على كثرة فوايد الكتّاب و طيّبة قلوب الوزراء و كسب المداء و افراح العوام و المتصرفين .

و امّا حضض الكواكب: فهو بالضد من الاوجات؛ و الله اعلم .

باب

فى طوالع السنين

إذا كان طالع السنة برج الحمل : فانّ المستولى عليهما الشمس و الرأس يدلّ على خصب السنة و حال المواشى و نموها و تناسلها غير أن الكرم يلحقها الرقان و مسلون و يكون المطر متصلها و يوجب فزع السلطان و ارباب الدول الكبار على حسب مواقع الكواكب من طوالعهم هذا على التحقيق و القياس الصحيح و يختص اهل بابل باشراح صدورهم و ارتياح قلوبهم و قوّة الأنفس وتكامل الانس و يدلّ على اعتدال يلحق الكبار محسن له سناحة و ذكر و ظهر الجدرى و الحمرعلى الاطفال و تصيب البهايم من دوات الاربع الموت و تأتى تسعة عشر يوماً مطر تخلو من تمور إلى انقضاء عشرين يوماً و يسعى السلطان أن يراعى حال مولده، فإن نامت هذا الحال الموجب لما ذكرنا سلطف فى تدبيره و امر بدنه و اعدنيه فان السنة موجبة لكثرة الامراض بخراسان و ارمنية إلى حين تحويل السنة و يدلّ على اضطراب اهل خراسان مع سلطانهم حتى انهم يعتقدون القيل به و لايقدرون و يستولى الجراد عليهم و يفسد زرعهم و يسقط فى بلد يعوق ما لمكان بلقة الرمانية تلوح عظمة يفسد الطرق و يموت سلطان الأهواز منتقل الملک إلى ولده و سحلف العرب و سهب بعضهم بعضاً و يقصد سلطان بابل مدينة أُخرى فيفتحها و يدعو اهلها بالطاعة و يعوذُ إلى مستقره مظفراً و يهلک حرنه .

و إذا كان طالع السنة الثور: فالمستولی علی السنة الزهرة الرأس یدلّ علی صعوبة السنة و شدّتها و قلة الأمطار و الأنداء فیها و یدلّ علی تلف الحیط و البقر عند حصارهما باقة البرد و علی حسن حال الثمر و یجی فی السنة مطران ثم تنقطع المطراربعة و ستّین یوماً ثم یصل الرعد و البرق و البرد الکثیر المفرط و تهلک الغلات فی مواضع من الأرض و یلحق الناس رجع الخلق وسقط ابدان الناس و یظهر علیهم الخراجات و یستولی علیهم الا سترخاء و یضطرب اهل بابل و یختص الاضطراب باهل الدول و ینالهم عسف و مکروه من جهة السلطان و سفک الدماء و یعم الغم للعالم و من بعد یحسن حال السنة و ترخص الاسعار و تقع الغلا بخراسان و فی البلدان المتواریه عن حد المغرب و المشرق و یسقط فیها ثلوج کثیرة یتصل بینهم القتل و یتفزع رعیتهم من ظهر فرسه و یموت رجل کسر القدرما لأهواز و یقع الوبا فی دوات الاربع قوائم و یکثر الحشرات مثل الحیّات و العقارب و یظهر الجراد و لایضر و یکثر الامراض ببابل و یستولی الاسترخاء علیهم فی آخر السنة و تبع الخیرات و یستقیم الامور ؛ و الله أعلم و أحکم بالصواب

و إن کان طالع السنة الجوزاء: فان السنة جیده و یکثر الخیرات و رخص الاسعار و یزید المیاه و یتصل المدود و یکون الامطار و موالیة و یحسن حال الثمار و یلحق الناس مع ذلک اضطراب ترفع الغلات و ترکو و تکثر الثمر و تصیب الروم الیرقان وحینئذٍ یزول الاضطراب و یستقیم عند توسط السنة و العلاب السلامة و السکون و الفرح و اشتغال الناس بالمسار و

الملاء لأهل الحبالى سقطه و يكثر موت الأطفال و تماوت الكلاب و يكون بالروم غلاء مع اتصال الأمطارغير أنّ حال الثمار يحسن عندهم و يقع الوبا فيهم و تصيبهم الأمراض و قل ما يتخلص المريض منهم و يقع الوبا بخراسان و يموت امرأة رجل عظيم الشّأن بها و ترخص الاسعار و يزيد المياه حتى يقطع الطرقات و تظهر اللصوص و يقل العشب و يتصل الفتن و الاضطراب بأرمنية و يكون الخلاف عن اهلها و يقيمون و يلحقهم الاسترخاء و إن قابلهم السّلطان عليهم و الاستعلاء عليهم و قهرهم إلى السلاح السنة و المرض و ملك بابل و المشرق على الموت فإن كان فى اصل مولده الزهرة و تخلص و إن كان ثم مناظرة و مشاركة لها من المريخ احتراق النار غير انّه يسلم روحه و يكون مدة عليه اثنى عشر يوماً و تقع فى مدينة غريبة للأعداء و يعاد و موضعه و يتنظم امره و يطيعه الناس على اصحابه و المختصين به من خدمه ؛ و الله أعلم .

و إذا كان طالع السنة السرطان: فإنّ المستولى عليه القمر يدلّ على ترجع الأمور بين الصلاح و الاضطراب و يكون المياه متوسطة و يأتى ستة نظرات و يسفك الدماء و يحسن حال التمر و تزكو ثمرها على أن الآفة يلحقها يحدث امراض صعبة مختلفة و الغالب من الامراض الاسترخاء و النفع و اوجاع الحلق و يقع الوبا فى النساء و تهلك الوحوش و ذوات الاسنان و المخالب و تماوت المواشى و يضطرب امر ملك بابل و يجتمع الأعداء و يعيشون فى بلاده و يستولى عليهم ثم ينصرفون منها إلى أَملاكهم و اماكنهم و يسرالملوك وراءهم متبعاً اثرهم و لايظفر بهم و لايصل إليهم و يحسن حال

بلاد الروم و يخصب سنتهم غير أنهم يلحقهم اوجاع للعين و وجع الاحـشاء و الحلق يعترى الناس شبه الجنون و الوسواس و يستكلف الكلاب و تقل المياه و سماوت القمر و يشمل بلاد المغرب الهمـوم و الغمـوم و يخـتلط امرالنـاس و يخرج الخوارج من اهل البر و سكان القفر و اصحاب موتات الشعر و يستولى على المدن و يقهرون اهلها و يملكون المدن و يسفكون الدماء اربـع شـهور و يقابل ملک المغرب ملک بابل و يلحق ملک المشرق ضيق صدور يقيم و ربّما يموت له من يغيرعليه و يكون آخرالسنة اجود مـن أولهـا و يكثرالطعـام فـى وسط السنة و يمطرالشتاء امطاراكثره و يكثر حمل الكروم و يقـل مـاء نيـل و يكثر فى البحر سفن كثيرة .

و إذا كان طالع السنة برج الأسـد: فـإن المـستولى عليهـا الـشمس و الرأس و هى سنة مودته بالخبر و اصلاح العالم و انتظام امـر الخلـق و اتـساع الرزق و ترخص الأسعار و يحسن حال الثمار و النبات و تدوم رياح الشمال و تكثر الجراد و لايوذى مع زيادة المياه مفرطة و اتصال المدود دقيقتين و تـالى مطرعامان و اربع مطرات متواليات متوسطه الحال و ينقطـع المطـر يومـاً ثـم يعتدل امرالسنة مع عرازة الأعين و تقلّ المياه فى الصيف قلة عظيمة ثـم ينـال السلطان الاعظم ملک اشرق و الفرح و السرور و يشمل بلاده الرخص و يجعل له اموال كثيرة فإن كان للمشترى فى طالع السنة فان الامن و الـسلامة يـشعل العالم وتقع الوبا فى العالم و يقصد ارض بابل قوم الاعداء و لايتمكنـون منهـا ابداً و يعودون إلى مواضعهم مغولى و يلحق ملک بابـل و هـن يمـوت بعـض

اولاد الملوك و يستولى الغمّ على السلطان و يصيبهم أمراض و يلحق الثمار آفة و يحسن حال بلاد الهند و يشملهم الفرح و يقع فى بلاد طبرية و خوزستان الفزع و الاضطراب و الهلع و الوباء و يقتلون من الأعداء و لايثتبون لهم و يقابلونهم و يستسلمون اليهم و لک يكون آخر السنة و تقل للعلان فى بلاد يشمل البرد و بخراسان و تكثر الثلوج .

و إن كان طالعها السنبلة: فالمستولى عطارد و الرأس يدلّ على قلة ثبات الأمور فيها و على سرعة الخلال كلما ينعقد و الصاح كلما ينسرم و انتشار و كلما يشطم و يستحكم و يكون العالم على احوال السنة الثلث الشدّة و الصعوبة و يكون الأمراض كثرة خصوصاً وجع الحلق و الاجفان و الجهة و قلة الشقيقة و ذلک الا كان الرأس رب السنة تكثر الوبا و لايطول المغره فيه فان ترسل المريخ فى طالع الستة غسر انتصافها دلّ على سفک الدماء و كثرة الفزع و شدة الوحل و الجوع و اختلاف قلوب الآباء على الاولاد و يدلّ على الغموم و الاضطراب بناحية الجنوب و تقع النهب الأكثر مواضع و تشبک الحروب بين ملكين و يسفک الدماء و يلحق السلطان شدّة و خوف عظيم و تقل مدة إثنى عشر يوماً و يضطرب امر ملكه و امرالناس المتعلقين به ثم يستولى على اعداء و يقهرهم ويملک رقّهم و يحصلون تحت طاعته و إن كان للزّهرة شركة فى الطالع فإن الزنا يكثر و الفواحش و إن كان زحل شركة فإن البكاء والهموم والغموم يكثر فى العالم و إن كان للمشترى شركة و هبت اكثرالشدائد عن مهما لم و اندفعت و يحسن حال العسكر و تقل القمر و

تخصب الأهواز مع وقوع الوبا بها وتقع بخراسان ثلوج كثيرة و يتصل الحروب ببلاد المغرب و تكثر السبى و يشتد الغلاء فيها و فى بلاد الفرس و يموت رجل قدر و ذكر و تقع الحروب بين العرب و يكثرالنهب فيهم و يتقابلون و يحسن حال المطربين و يستوى ملک بابل على اعدائه و يستعلى عليهم؛ و الله أعلم .

إن كان طالع السنة الميزان: فإن المستولى عليها الزهرة شركة الذنب و هى سنة تدوم فيها رياح الجنوب و يكثرالمطر حتى تنادى الناس به و يكون فيها حروب عظيمة و خلف و ريد المنامى اولها و لها زيادة مفرطة حتى يعرف العالم و بلاد كثيرة و يكثر الجراد و يظهر الاقريح و تقع الطاعون بمصر و يكون حروب كثيرة و شدائد و هى سنة ممتزجة الحال بين الشدّة و الرخاء الاونه تكثر فيها الخطة والتسعير و سقف أكثرها بالثلوج و البرد و الهواء الشرقى مع هلاک الكروم و يدلّ على تناسل المواشى و كثرة حملها و كثرة الألبان و اوّل السنة خير من آخرها و يكون الأمطار عظيمة فى اولها و يكون قطرها غريزا و درّها خمسة مطر وعدو النصر القطر سبعة و يشتد الشوة النساء و يلحقهم الهيجان و يطرحنّ انفسهنّ على الرجال و بكم الصبا ما فى الصحارى و يحلن و يسقطن اولادهن و الاحرار يباشرون العبيد و الإماء لاختلاط الذنب بطالع السنة و يدلّ على اضطراب الناس و كثرة الوبا و كثرة البكاء فى العالم و يخاف على ملک بابل من يوم سادس عشر حزيران إلى إثنى عشر يوماً من نمويش له أن يخدر ركوب الخيل و يكثرالخلوة و يخسبب الحركة و لاتعرب النساء و متى تهاون بهذه الاسباب و لم عنها زال ملكة و تعشر على اصحابه و

صارمحبوسا فی جلده لمّا یتداخله من الدهشة و ضیق الصدر و یدلّ علی وقوع البلایا ببلاد الروم و کثرة الأمراض بخراسان و بلاد الفرس و تخصب و تتسع الخیرات بها و تکثر الثمار و یتغیرالملک ببلاد الهند و تقع فی هذه السنة خلف بین الملوک و یلتقی جیشان عظیمان و خراب بعض البلاد و حصار بعض القلاع و سفک دم و قطع الایدی و الارجل و الصلب و کثرة الجور علی الرعایا و خباط ما بالموصل و کثرة حقول السوادات و توقف معاش العالم و مضر بهم الا ان یدفع الله یقد.

و إن کان طالع السنة العقرب: فإن المستولی الذنب و القمر یدلّ علی صعوبة اوایلها شدّة وآخرها وفقها و قلة حصها و هی سنة تکثر فیها ریاح الشمال و تدوم و رخص الطعام فی اولها و یعسر فی آخرها و شمول الاضطراب و الجوع فیها و یظهرالجراد و لایودی و یکثر حمل الکرم و یکثر الذنب و علی سفک الدماء ببلاد المغرب و علی ذهاب اموال الناس و تلاشی احوالهم و هلاکهم بالسیف و علی اشتباک الحروب بخراسان و یعمه الغم و الاضطراب ویموت اهل الملک ببلاد الهند و هل ملک الهند علة مدتها اثنان و عشرون شهراً و تضطرب امراته و سحوله بالعشب من نفسها و تدلّ هذه السنة علی خصب الأهواز و بلاد الروم و کثرة المیاه و الخمور وعلی وقوع الفزع و خفتان الفراء من شدّة الدعی فی بلاد ارمنیة و کثرة الجور و العسف و انهم یعقدون کل من یعاونهم و تقع فیهم مع هذه الأسباب المذکورة الوبا و الآمراض و أوجاج الحق بالحُمیات المختلفات و ینتهی الأمر بینهم ولی الاستسقاء و

الاعلال المريضة ويدلّ ايض على قلة الغلات و الثمر و حسن حال العسكر و الخمور و على أنّ بعض الملوک تقل اثنی عشر يوماً بالحمی و الصداع ثم يری تعب اهل العراق شدّة و يعقد ملک فی اواخر السنة .

فإن كان طالع السنة القوس: فإنّه يدلّ على شدّة السنة و صعوبتها و كثرةالاضطراب و الفزع و اشتباک الحروب فی التّصال فی كل مكان و ثوران الأعداء على العالم و يوجد أموال الأغنياء و يلحق بعض الملوک وجع من الخمر و الصداع و شقی فيها اثنان وعشرون يوماً و يحسن حال الثمار و الفواكه و يحسن حمل الكرم و يكثر الذنب و الغنم ويكثر الثمار بارض بابل و يرحون الثمار ويكثر سفک الدماء و النهب والفارات بالشام و تقل الغازات و الخمول و يحسن حال التموز و يخصب بلاد الأهواز و تقع النهب فی بلاد الروم و يشمل السلامة والأمن ببلاد الفرس يملو الطعام فی اول سنة ثم يرخص فی مافيها و لو لا امتزاج مطر المشتری و حصول رب السنة لا سلم كثر من العالم فيها .

فإن كان طالع السنة برج الجدی : فإنها سنة تدوم فيها السموم و يحسن فی ها كل زرع احرب حربه و المستولی على السنة المريخ يدلّ على توسط حال السنة و امتزاج امور العالم فی الخير و الشرّ وترجح الأمور و هذا الأمرين من خير و شرّ كثمره يحسها زنبور غران للدماءتسفک فی ارض بابل و نواحيها و يسعى للملک إن سواعی امر نفسه من إبتداء اليوم الثانی عشر من تموز إلی القضا ستة و عشرين يوماً منه و يمنع نفسه من الشهوات النفسانية

يحترز من الملاهى ومديرا منوّره و رأى وزرائـه و يحـشف النـساء و ركـوب الخيل و الشم عن مباشرة الحروب وممارستها نفسه و يتلطف فى امور كلها إلى أن يجوز هذه المدّة المذكورة فمتى اهل هذه الاسباب تعب قلبه و ندم و تكثـر الاضطراب فى مدينة و تدلّ هذه السنة ايضاً على فساد التمر و الخمـر و تقـل حمل الكروم و مالى فى السنة اربع مطرات عظمة الوقع غزيرةالقطـر و نزولتـه عشر مطرة و يكون حال المياه متوسطة هذا بعد ان يقطع المطر اثنان و أربعون يوماً و على أن يحسن حال العالم بعد ذلک .

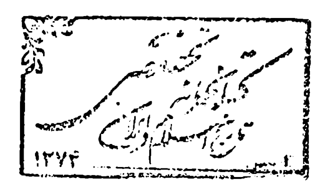
وإن كان طالع السنة الدلو: فإنّها سنة يكثر فيها ريـح الـدبور و تكثـر فيها مانيل مصر فإن المستولى عليها زحل و المشترى و الـشمس يـدلّ علـى حال السنة بعد اختلافها و فسادها و قد مثلث بالسنان حامل يكون ماهه بعـد الخمول و يكون سنة خصبه يشمل العالم السرور و الفرح و يحسن حال العلال و المور إلا السمک و الخمر و السم يكون فيها نقض و تناد السم من المطـر و يكون خصب بفلسطين و يموت من الطير شىء كثيـر و تهـيج ريـح بالـشام و يموت ملک و ينتظم امر ملک و يظهر قوم من أعداء و يكثـر الحـروب بـبلاد الروم و يقحط الحـضب بعـد و يمـوت احـد اولاد سـلطان الفـرس و يكـون الأمراض صعبة ببلاد خراسان و يكثر المياه و يحسن حال النبات بعد أن ينقطع المطر مدة اثنين و ستين يوماً و ما فـى آخـر سـنة مطربـان روسـان ينحـک امرالملک لم يستقيم؛ و الله أعلم .

وإن كان طالع السنة الحوت: فإن المستولى علـى الـسنة المـشترى و زحل و الذنب يدلّ على توسط الأضداد من الأعداء بلاد الملوک و تدلّ علـى اتصال الحروب الصعبة و كثرةالبكاء و الغم فی العالم و هی تدلّ على اضطراب امر الملک و هلاک اصحابه باسف فی الحروب و على يغـدر الغـلات وعـدم الاموات و يموت ملک أو يقتل على فراشه و يقع خلف بين المغرب و الروم و يفتح من بلاد الروم ثلاثة مداين و هيج الحروب فی بلاد كثيرة و انّما يخـضب السنة و يكثر الغلة و الزرع و الزيت و حمل الكرم و لابد ما ينقطع المطر مـدّة اربعين يوماً و على غموم يلحق الملوک و حرب بين ملكين و هلاک احـدهما فی المعركة ؛ و الله أعلم .

فصل

قال الحكيم: إذا اقتران زحل و المريخ ، فی طالع سنةالعالم يدلّ علـى الضرر الشامل العالم و الرعيّة و موت كثير و مرض و إذا كـان فـی الثـانی او الثامن دلّ على فساد الأموال و خمول ذكر الأغنياء و ظهور الحاجة و الفقـر و الضعف فی العامّة و كثرةالموت و الشناعة ، فإن ذلک فی الثالث أو التاسع يدلّ على كثرة انتقال العالم أو اوطانهم وتشبتهم مع ظهور العامّة فی موت العبـادة و اعراض المكروه وانقطاع الطرق؛ و إن كان ذلک فی الرابع و العاشـر دلّ علـى إنه يعرض فی المداين و البلدان الخراب و موت اعظم الملوک و خسارتهم؛ و إن كان فی الخامس و الحادی عشر دلّ على فساد و الولدان و على الحروب و

الخصومات و السلاح و وقع بين الأصدقاء و الأحباب و فساد مابينهم؛ و أن كان فى السادس و الثالث عشر يدلّ على كثرة السبى و موت الدواب و الغنم و كثرة المرض و الزمانة و من ولد فيه كان فيه عامة ؛ و إن كان فى السابع دلّ على كثرة الأعداء و خروج الموذبين و كثرة الفتن بين النساء و ازواجهنّ و الخسارة فى اسع و الثرى؛ و قال إنّ هذه الاحكام مخصوصة بالبلد الداب كون الكواكب بالبرج الذى يعربان فيه فى نسخة أُخرى يدلّ على عزّة نفوس الحسنة و الأمراض يدلّ على افراح الملوك و السلاطين بالسرطان يدلّ على كتمان السرّ و العلم و شدّة الحروب و قلة المياه و شدّة الأراجيف؛ و الله أعلم بالصّواب.



❊ ❊ ❊

گنجینه‌های خطی-۲

متون نجومی-۱



نشر مجمع ذخائر اسلامی

قم - ایران

WWW.Ismajma.com / WWW.Zakhair.net